

## در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۶ صفحه یاد رفیق بیکارگر مسلم خلیج گوانی باد
- ۷ صفحه نهاجم گسردن ارتجاع بدنیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت
- ۱۳ صفحه آئینه زنده همبرابر یوفان انقلاب (۱)
- ۹ صفحه بمصاحبه با رفیق نواب حق شناس بیرامون یاوه های
- ۹ صفحه شیخ محمد منطری (۲)
- ۷ صفحه داستان "شیمه تراشی" و خداشناس شدن جهگوارا در تلویزیون صفحه

## ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

هجوم به آزادیهای دموکراتیک که بیش در آمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی منتهی بحمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملترکت .  
صفحه ۵

## «قانون شوراهای اسلامی» «قانون» یورش به شوراهای واقعی

صفحه ۳

## تروور پیکارگران در بند بدست رژیم جمهوری اسلامی



خمدروز میل دوس از رفقای سکا رگر سازمانی مسعود صالحی را در دانشجوی سال چهارم دانشگاه تبریز سیرا و غلب نجم الدینی که هر دو عضو کمیته دانشجویان و دانش آموزان هوا در سازمان بوده و ۱۳ مرداد در مجرای غلامبه در زندان رژیم جمهوری اسلامی بر سر بند بستند. زندانیان رژیم در مسانتهای اطراف تبریز نیز روحانیهای شهادت رسانند. تروور انقلابیون و یوزده کمیونتهای یکی از شوههای شناخته شده است که رژیمهای ارتجاعی در مقابلها حین انقلابی خلقها نکا ر میسند. در ایران نیز چند روزمان تا هاشن وجه امروز (در رژیم جمهوری اسلامی) بارها با اس شوه فرزندان دلیر خلق به شهادت رسیده اند. شیمه در صفحه ۲

## سازش موقت نگاهی به سازش شکننده دو جناح حکومت بر سر انتخاب نخست وزیر

همه میر ظاهر با استنهادش صدر و با شد مجلس رجائی به سخت و ریسری جمهوری اسلامی سرگزیده و بدو بلاش خود را برای تکمیل گام بعد از آرزو نمود. انتخاب رجائی بعنوان نخست وزیر و سرپرست مسئولیت دولت به او پس از چندین ماه کشمکش درونی و بیرونی میان جناحهای حکومت مساواتگرایان از اختلافات داخلی حکومت را نشان دهد. اختلافات درونی حکومت که سر سترا و حکمرانی مبارزان انقلابی و خدا میر با لیستی سوده ها شکل یافته در صفحه ۲

## رویداد ۲۸ مرداد بار دیگر دو درس اساسی مبارزه پرولتاریایی را ثابت کرد:

- ۱- در عصر امپریالیسم تنها با رهبری طبقه کارگر میتوان برای رجاع و امپریالیسم پیروز گشت!
- ۲- برای اس پیروزی و حفظ دستاوردهای آن باید خلق را مسلح کرد!



## تداوم بحران موجود همچنان گسترده و عمیق تر میشود رژیم میخواهد با سیاستهای بورژوازی به بحرانی که خود ذاتی سرمایه داری است پایان بخشد!

هیات حاکمه در مدت ۱۷ ماه بعد از قیام سوده ها نتوانسته است اوضاع را تثبیت نماید. این امر ناشی از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است که در دوران گذشته میوه خندا داده شده و در مقطعی از تداوم خویش با تمام شکوه خست سوده رژیم پیوسته به بلوی را به زباله دانی تاریخ میرسد. این بحران که ریشه در سیستم سرمایه داری و استبداد دارد با ترکیبی رژیم کثرت سوده به بلوی پانسان سدرت و با افت و خیزها ناشی کماکان ادا میماند. حل نظامی این بحران که خود را شکل گزافی روز - امروز اجناس سورمی یا بقول سولی . شیمه در صفحه ۱۲

## اعتصاب کارگری در لهستان جلوه ای از مبارزه بر علیه استشمار در کشورهای رویزبونیستی

صفحه ۸

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۱

سازش ...

گرفته و هر روز با اعدای تازه‌تری از آن عیان ترمیم شود، هبشت‌ها که حاصل خلقی ایران را بیش از هر زمان دیگر نتوان و متزلزل ساختند، نتوان بدلگساظ سرکوب توده‌ها و متزلزل بدلگساظ فقدان انجام پرونی جناحی حاکمیت حمله خودبه‌این واقعیت آکا هی دارند لیکن در عین حال قادر به پایان دادن بدان نیستند. جمهوری اسلامی ایران هرگز قادر به تنبیه است خود نخواهد شد. زیرا جنبش انقلابی خلق هر روز بیشتر اوج میگردد و رژیم پارتی فاشیست را بر می‌دارد، آکسیون دورانی فرا رسیده است که لیبرالها موردتهاجم جناح جمهوری اسلامی قرار گرفته و مهره‌های آنها، اینجا و آنجا قدرت اجرایی خود را از دست میدهند. هر کدام از آنها که از جانب "حزب" موردتهاجم واقع میشوند، به افشای جناح مقابل پرداخته و در این رهگذر ناخواسته جناحیات کل حکومت را بر سلامیسا زند. آنها تقصیرها را به گردن یکدیگر می‌اندازند تا آب تظہیر بر آسمان جناحیستا رانه‌شان ریخته شود ولی این توده‌ها هستند که درمی‌یابند حکومتگران شان چکسانی بوده‌اند که چهره‌های خود را در پشت پرده "برگ برنده‌ای" برای کوبیدن رقیب در دست این یا آن جناح نبوده‌اند تا آنرا بر زمین زند، اما واقعیت حاکی از آن است که این جنگ قدرت آرا منگرفتنه است که در آنجا نظاره‌ها را جسی نداشتند، یعنی مدبران اجرای مسافرتها و سخنرانی‌ها - های متعددی تا قوا میگویند توده‌ها را بتبغ خود بسج کند، او عوا مفریبا نعترا "جمهوری خدای علم کرده است و آنرا علیه حزب یکا رمیکسرد: "آنها شی که تشنه قدرت هستند میخواهند زور را بتدیس کنند و ز راه مقدس کردن زور اعتراض به حاکمیت زور را غیر ممکن بگردانند و در نتیجه ما سرگردیم به یک شیوه حکومتی استبدادی" (سخنرانی بنی صدر در مسجد انجواد، اطلاعات ۱۹ مرداد)

به لحاظ حدت همین نهاد بود که گوشه‌های چندین ماهه سنی مدبرانی تشکیل دولتی مرکب از لیبرال‌های طرفدار خود به سنجید رسید و با لاجرم حاصل اختلافات "حزب" با سنی مدبر منجر به انتخاب نخست وزیری رجا شی گردید. در واقع رجا شی به سنی مدبر تحمیل گردید و این دو جناح حکومت بر سر حمل انتخاب رجا شی به سازش رسیدند. رجا شی همانطور که سابقه اش نشان داده است "لیاقت" و "عرضه" دار رهگومت را بویژه در نایب چنین بحرانی به هیچوجه ندارد. این فرد بهر مطمع "خط امام" یا "حزب جمهوری اسلامی" بوده و خواهد بود. نمونه عملگردهای این عنصر را در دوران تعدی سنی وزارت آموزش و پرورش دیده‌ام. او به سنی مدبر سنی وجهی، نعلمان انقلابی را سرکوب و اخراج نمود آموزش و پرورش کردستان را منحل کرد، محیط خفان و سرکوب را در دبیرستان‌ها و آموزشگاهها بوجود آورد... از سوجه‌های "خدمت" این عنصر به حکومت و دشمنی اش با انقلاب و توده‌هاست. علاوه بر آن او در اولین سخنرانی‌های خود در دفاع از جناح عین از سرما به داران جنس گفت:

دولت آینده ما بنا بر اساس بزرگ بخا هد که در اعمال خود تجدید نظر کنند" (اطلاعات چهارشنبه ۲۲ مرداد)

بدین ترتیب حزب جمهوری اسلامی غیر از دوفسوه مقتضه و قفا شیوه و قوه مجریه هم قدرت یافته است. از سوی دیگر انگیزه‌های کهنه سنی مدبران به معرفی رجا شی بعنوان نخست وزیر به مجلس کشا ندر صرف نظرا ز فشار حزب جمهوری اسلامی، مسئله موقعیت رجا شی و امکان "سر عقل" آمدن او بود و در واقع سنی مدبران مدخود را نیز به همین مسئله بسته است. رجا شی در هنگام سخنرانی خود در مجلس سنی مدبران را برادر خود نامید و از امکان ایجاد "تفاهم" با سنی مدبر سخن بهمان آورد. بهشتی سردمدار حزب جمهوری اسلامی نیز پس از انتخاب رجا شی، از آیتنده کار او اظهار امیدواری نمود (جمهوری اسلامی، ۲۳ مرداد) و جالب است که در همان شماره روزنامه "سرمقاله" ای چاپ شده بود ("دست در دست هم می‌بندیم" بهر "که از ایجاد تفاهم بین سنی مدبر و حزب جمهوری اسلامی سخن گفته بود، و هشدار داده بود که اختلاف در "بالا" بتبغ "مدان انقلاب" است.

اما همانطور که قبلا گفتیم این "وحدت ظلمی"ها و "سازشها" کوتاه مدت گذرا است و دو جناح نیز خود به این واقعیت آکا هی دارند. سنی مدبر رجا شی را در هنگام معرفی به مجلس بعنوان فردی که مجلس به وی اظهار تمایل کرده است معرفی نموده است و نه بعنوان شخصی که خود معرفی نموده‌اند. بدین ترتیب این بیان (که مجلس نیز با لاجرم آترا پذیرفت) بطور تلویحی بیانگر این امر است که سنی مدبر مسئولیت دولت و سخت وزیری را بعهده نگرفته است و میتواند از خود در مقابل اعمال رجا شی سلب مسئولیت نماید. آیا دولت رجا شی خواهد توانست دوام بیاورد و "سازش"ها به سرانجام برساند؟ زینما چنین چیزی غیر محتمل بنظر می‌رسد. اولاً، سازش دو جناح همانطور که گفتیم بسیار رنگینده است و در آیتنده مجدداً بروز خواهد نمود. ثانیاً، رجا شی فردی است بی کفایت که قادر نیست لاف کار دانی مهره‌ای چون بازرگان و یا بهشتی... را در آیتنده، نالنا و از همه مهمتر چشم انداز رتدمبارزه طیفاتی است. همانطور که در گذشته دیده‌ام و حکمیری مبارزات توده‌ها چه تا شیرشگری بر روی نهادهای درونی هبشت‌ها که میگذارد. سازش در دولت موقت شاه‌آن بوده ایم که مهره‌های حکومتی چگونه در حال تغییر و تحول بوده‌اند. این امر بدون شک در دولت آینده نیز تکرار خواهد شد و شکندگی کاسینه را سنا رتند خواهد نمود.

بقیه از صفحه ۱ پیکارگران ...

بیاد آوریم روزهای را که سنگین خبا با آنها و کوجهای تهران و شهرستانها از خون پاک انقلابیون جان برکفی کهنه‌ست ما موران جلداسا واک ترور شده بودند گلگون می‌گشت!

بیاد آوریم رفقای فدائی و برادران مجاهدیکه پس از سالها اسارت از گوشه‌های جلالی رژیسمه تبه-های اوین برده شده و در آنجا ترور شدند!

بیاد آوریم رفقا حسن آلا دیوس، محیوبه متحذین، لیلان زمریان... که در خبا سناهای تهران بدست جلدان سا واک ترور شدند.

بیاد آوریم دهها فدائی و مجاهد خلق را که با همین شیوه بدست دژخیمان شاه‌خاش خون پاکشان بر زمین ریختند! و امروز در رژیم جمهوری اسلامی:

بیاد آوریم رفیق ناصر توفیقیان را که با جوان - مردانه در نظرات سیکاران افغان از بهشت سرحد ف کلوله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. و بیاد آوریم رفقا نوماج، منجم، و احدی، جرجانسی فرزندان دلاور خلق ترکمن را که از زندان اوین به حاج محسن رفیق دوست، رئیس کمیته سلطنت آباد تحویل داده شدند و جسدشان بین راه گرگان - مشهد بدست آمد!

بیاد آوریم ترور تاجا مدکتر حسن بر فرزند مبارز خلق بلوچ را که از توطئه‌ای بدست اساداران طرح ریزی شده بود، جان سالم بدر برد و آترا افشا نمود.

و بیاد آوریم دهها کمونیست و انقلابی را که در این رژیم بویا همین شیوه به شهادت رسیدند.

و امروزنا زهرین نمونه ...

آری رفقای پیکارگر ما که قلبتان به عشق راهی زحمتکشان می‌طپد "بجرم" پخش اعلامیه توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و پس از چند هفته اسارت به سیابانهای اطراف تبریز برده شده و به نظر بسیار وحشیانه‌ای ترور میشوند.

هموطنان مبارز!

این عمل فاشیستی زمانی صورت میگردد که فشار ارتجاع بر نیروهای انقلابی، از جمله ما زمان صادر سرا بران شدت گرفته است.

رفقای ما را در شال، تبریز و بویژه جنوب دستگیر و به بدترین وجهی مورد شکنجه و آزار قرار میدهند. بقیه در صفحه ۳

**رفقا!**

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار را بخش کنید.
- با هر امکانی که دارید تمام یا برخی مقالات و مطالب پیکار را تکثیر و بخش نمایید.



**رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی برادر لیبرالهاست**



# جنبش کارگری



## "قانون شوراهاى اسلامى"

### «قانون، یورش به شوراهای واقعی»

پیش از ۱۷ ماه از قیام مومنین خلقهای قهرمان ایران میگذرد. ۱۷ ماهی که سرشار از مبارزات حق - طلبانه کارگران، زحمتکشان و خلقهای غلبه میرزا لیسیم و ارتجاع داخلی است. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه داری و وابسته است و استقرار و تثبیت خود را در سرکوب مبارزات خلقها و در زان آن طبقه کارگری بیند، در این مدت بوضوح چهره ضد خلقی و کریه خود را به نمایش گذاشته است. به سبب کشیدن کارگری از مبارزات انقلابی، اعدای و حشیان انقلابی - کمونیست، کشتار بیشتر ما نه خلقها و... شیوه هائی است که رژیم برای نابودسازی دستاوردهای قیام زان سود برده است.

شوراها، سندیکاها و... از جمله دستاوردهای اصلی قیام بودند که مینمایند عظیم در برابر اهداف ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته و از آنجا که آنها را اعمال نمیکردند، رژیم که از زمان ابتدای این موضوع را بخوبی درک کرده بود، در پی آن بود که در اولیین فرصت تیشه خون آلود خود را بر ریشه این دستاوردهای قیام برود. کارنامه سنگین جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته بسیار بگرنها جموطنه های بیشتر است علیه کارگران، زحمتکشان و خلقها که امروز با شدت بیشتری گسترش یافته است. رژیم تا آنجا که می - شود از اصلاح قانون که همان قانون سرمایه است استفاده میکند، قانونی که مانند قتل و زنجیر برای کارگران و

زحمتکشان است و آنجا که این سلاح بر زندگی کافس ندارد، از توطئه و ناک و مسلط آمریکائی استفاده می نماید. وسوسه های ستیز زحمتکشان را هدف گلوله قرار میدهد، به این امید بوی که تا بدین توارند در برابر حرکت توفنده توده های انقلابی به رهبری طبقه کارگر سدی بوجود نیاید.

لاهیقه قانونی شوراها و اسلامی کارکنان موسسات و کارخانجات، توطئه مودبا نه دیگری است علیه کارگران و زحمتکشان میهن ما. رژیم میکودند تا شوراها را که خودخواهان است بر کارگران تحمیل کند، تا شاید از "شر" مزاحمتی شوراها و واقعی که دست سرمایه - داران و دولت حافظ آنها را در پوست گردو میگذارد راحتر شوند. رژیم خواهان چنان شورائی است که اوامر سرمایه داران و دولت حامی آنها را مویبه مویبدون کم - وکاست اجرا نماید و کارگران را تبدیل به برده های مطیع و فرما نبردا رسا بدتا برای بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر آن ماه شوند. اما طرح کردن چنین اهداف خیانتکارانه ای با همین صراحت و روشنی بخصوص با توجه به سطح آگاهی کارگران عملی است که فقط از یک دیوانه برمی آید و شرط عقل نیست، باید این تحفه را دریا رجه زریا فت بیچید تا سیننده در سنگاه اول منتشر شود. ما بقیه در صفحه ۱۵

### مبارزه کارگران موقت شرکت نفتی ریپینکو

در هفته اول مرداد ماه کارگران موقت شرکت ریپینکو (۱) که بیش از ۲۰ نفر هستند و مورد تضییقات شدیدی نسبت به سایر کارگران قرار دارند، پس از بحث و گفتگو با یکدیگر خواسته های خود را تنظیم کرده و برای هیئت مدیره شرکت میفرستند. کارگران در این نامه متذکر میشوند که اگر تا ۱۵ روز دیگر کارفرما خواسته های آنها را برآورده نکند، دست به اقدام اعتراضی شدیدتری خواهند زد. برخی از خواسته های آنها عبارتست از:

- ۱ - در برابر هر ۴ روز کار، یک هفته مرخصی، (بعلت شرایط سخت و طاقت فرسای محیط کار)
- ۲ - جیره خواروبار (در این شرکت جیره خواروبار تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۳ - غذا و مسکن
- ۴ - عادلانه بندی (حق اولاد)، (در حال حاضر حق اولاد تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۵ - .....

(۱) - شرکت نفتی ریپینکو در جزیره لاولان قرار دارد و در جهت استخراج نفت از جاهای دریائی نفتی فعالیت میکند.

### اخراج کارگران مبارز کارخانه کاشی اصفهان

چندی پیش! انجمن اسلامی کارخانه کاشی اصفهان که بنا بر زکی تشکیل شده است می نزدیک به ۳۳ نفر از کارگران مبارزان این کارخانه را در اختیار دادگاه با صلاح انقلاب نجف آباد قرار میدهند تا شامل "پاکسازی" شوند. دادگاه نیز سدریج این کارگران را احضار کرده تا بجای که بکشد!

جالب توجه اینکه عناصر تشکیل دهنده انجمن اسلامی این کارخانه همان کسانی هستند که چند ماه پیش کارگران بعلت عملکردهای ضد کارگری آنها در اعتصاب چند ساعته خود خواستار تصفیه آنان بودند که ضمن آن فرماندار نجف آباد دو سیاهبازان را به کارگران قول میدهند که عناصر مذکور را اخراج کنند. اما ۲ روز بعد تحت حمایت سیاهبازان به کارخانه بازگردانده میشوند و هم اکنون با تشکیل انجمن اسلامی علیه کارگران مبارز توطئه میکنند و در این زمینه از حمایت کامل سیاهبازان و "دادگاه" - های انقلاب برخوردارند!

### بیکارگران...

رفقای قهرمان ما! امیدم و مهدی علوی شونشتری در جنوب به دلایل بسیار واهی (برتاب سنگ) به جوخه - های اعدا م سپرده میشوند، و... این اعمال فاشیستی رژیم ضد خلقی حاکم گذشته از آنکه دشمنی عمیق او را با انقلابیون و سوزگرم کمونیستها نشان میدهد. ضعف و استیصال وی را در مقابل سوا او حکمیری روزافزون جنش توده ها نشان میدهد. ما جزئیات این جنایت هولناک و چهره سنگ - آلود جنایتکاران شناخته شده تار در آینه ما اطلاع خلقهای قهرمان ایران خواهیم رساند.

پس از چند تا نه دست کارگران که تازه هم غروسی کرده بود مثل کوشنی که در جرح کوشنا انداخته استی همراهمینده حاجی شده و بیرون می آید. همکاران این کارگران که در جوانی به کمک او می شناسند. (البته به علت سرو - صدای زیاد ما شنیدنا تا مدتی بلندت این موضوع نمیشوند) پس از اینکه او را از جای دستگیر می - آورند به اداره سیمه که در جوار کارخانه است میبرند دکتر پس از دیدن جوان کارگر بیپوش به همراهان او میگوید: "سرود دستش را بسا ورسد!". که یکی از همراهان کارگر با نا ارضی فراوان میگوید: "کدام دست؟ دستی که مثل گوشت جرح کرده جرح شده است؟"

از محل حادثه ما در خروجی سالن که حدود ۳۰ تا ۴۰ بقیه در صفحه ۴

## در کارخانه چیت ممتاز کارگر دیگری قربانی سپیستم سرمایه داری شد!

کزارش زیرا که ما با بگرگوشه ای از سپیسم و استثمار و حشیانهای است که در شرایط حاکمیت سرمایه داری وابسته بر کارگران و زحمتکشان ایران روا میشود، یکی از کارگران مبارز کارخانه چیت ممتاز برای پیکار فرستاده که ما فهمیدنا ثی از آنرا عینا در اینجا درج میکنیم.

"در تاریخ ۵۹/۵/۹ منتهی قسمت حاجی کارگر جوانی را که تازه استخدام شده بود روی دستگاه حلاجی گذاشت تا به جای یک کارگر ما هر که ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه و تجربه دارد کار کند. کارگر جوان وقتی که ما شن کبر میکنم، با اینکه از وضعیت ما شن حلاجی خبر نداشت سعی میکند که آنرا را ببیند از ما دانش لای نوردد کبر میکند. روی نوردد مثل این است که میخ چسبانده ای،

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳

در کارخانه ...

متر میشد مثل اینکه سطل آب بریزی، خون ریخته بود، پس از این حادثه کارگران دسته دست و پا قیافه های زده به دیدن منظره میامدند و دنیا شای از سوال رادرجلوی چشم خود میدیدند. برآستی تا کی کارگران با بددچار چنین حادثه ها می بشوند؟ کارگری فرساده میزد:

"من ۱۵ سال سابقه کار دارم، هرکاری کرده اند سراپن ما شین کارنکرده ام، چون خیلی خطر دارد."

کارگردیگری داد میزد:  
"با سابقه ها که تجربه هم دارند بیشترند روی ایسن ما شین کارنگند، این جورما شینها مثل سگ هار میمانند. خیلی سریع یک جای بدن را میگیرند و مثل کوه بقیه بدن را می بلعند. چندسال پیش کارگری موهای سرش گیر می کند و می رود لای نسورد پس از آن خوراک ما شین شده، جوخ کرده اش از آن طرف بیرون میاید. تا حالا این ما شینها چندین بار رفا جع دنیا را آورده اند. آخر کد ما مردم در... این کاررگوجان تا زده او رداروی این دستگا گذاشته و این سلا سراپن بدخت آورده است؟" کارگران همه غمخیزه بودند، همه در فکر فورورفته بودند و میگفتند: ... بخاطر اینکه دولت وسرما به داران سود بیشتری بدست آورند از وسه مثل ایمنی مخصوص ایسن ما شین استفاده نمیکنند... ("سرما به داران شکم گنده و سائل ایمنی دستگا هرا بازمیکنند تا ما شین تولید بیشتری کند و درانمان کارش بیشتر شود، تا سود بیشتری به جیب بزند)... بخاطر اینکه ما شین خلجی ۲ ساعت نخواهد تولید عقب نیفتد یک کاررگوجان را روی آن گذاشته اند که با عت قطع دست وی تا آنجش شد! ... آخر ما تا کی با بدنا هدیگ چنین صحنه های کشنده ای باشیم؟" کارگران زیاد می جمع شده بودند در ایسن میان ناگهان یکی از سرپرستها گفت: "با بدیرسد سرکار تا ن مگه چی شده؟... گدیا اعتراض کاررگوجان روی بوند. یکی از کارگران گفت "مگه چی شده؟ دیگه میخواستی چی بشه؟ دست یک کاررگوجان قطع شده اونوقت تو میرسی چی شده؟ این برای تووا همیتسی نداره؟ همین شما متمدی ها و سرپرستها مقصد گدگه کاررگوجان را سردستگا هها می میگذا رید که وارد نیستند سرپرست وقتی که دید کاررگوجان در جلوی او ایستاده اند مثل موش توی سوراخی خیزد و گفت: "ملا به مس چه..."

برآستی ما تا کی با بدنا هدیگ چنین صحنه های وحشتناکی باشیم؟ تا زمانی که ما سرما به داری است و سرما به دار وجود دارد و حکومت دردست آنان است ما باید نا هادیگونه حوادث باشیم. سرما به دار برای اینکه سود بیشتری ببرد و سائل ایمنی را روی دستگا هنمی گذا ردتا تولید بیشتری داشته باشد و کاررگوجان را به اضا فته کاری وامیدارد. فقط در حکومت کارگری است که کاررگوجان دیگر دچار چنین حوادثی نمیشوند زیرا در حکومت کاررگوجان فشار به کاررگوجان آید. کاررگوجان تا مین مخارج زندگی خود میبورد نیست ۴ تا ع ساعت اما نه کاررگوجان که در آخر زندگی کاررگوجان... چارمانحه شود. پس بگویم و یا هم چند شویم تا حکومت خودمان یعنی حکومت کاررگوجان را برقرار کنیم"

مبارزه برای بازگرداندن کارگران مبارز اخراجی آمل همچنان ادامه دارد

چندی است که رژیم جمهوری اسلامی یورش همه جانبه و سازمان یافته ای را علیه نیروهای انقلابی، کارگران و کارکنان مبارز در کارخانه ها، ادارات و موسسات، تحت پوشش عوامفریبانه و ضدانقلابی، تصفیه و پاک سازی آغاز نموده است. بدنبال همین سیاست ضد انقلابی، ده ها تن از کارگران مبارز کارخانه ها از جمله کارخانجات جین مد، بلوجین، آجرما شینسی نمنا زو... آمل اخراج شده اند این سیاست که ماهیت واقعی آن چیزی جز حمله به دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان مانند شوراهای سندیکاهای واقعی و اخراج عناصر آگاه و مومنان زنیست موج وسیع و گسترده اعتراض کارگران مبارز را به همراه داشته است. این کارگران به اشکال گوناگون مانند ارجاع به دندوق کک و تهاون (کارگران کوره یزخانه ها) و تجمیع در اداره کار و "دادگا ه انقلاب" (مانند کارگران جین مد) ... حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران اخراجی ابراز داشته اند.

روز چهارشنبه ۵۹/۵/۸ ساعت ۲ و ۳ بعد از ظهر بیش از یکصد تن از کارگران کارخانجات آمل بحمايت از کارگران مبارز اخراجی کارخانجات این شهر در محل "دادگا ه انقلاب" دست به تحصن می زنند پس از مدتی دادستان به اطلاع انقلاب، تحت فشار کارگران اعلام میکند که خواست با یکسی از نمایندگان کارگران اخراجی مذاکره کند، اما سرانجام به علت پافشاری کارگران دادستان با چهار نفر نماینده کارگران اخراجی و یک نفر نماینده از طرف کارگران شاغلی که به حمایت از این کارگران در تحصن شرکت کرده بودند به بحث و گفتگومی نشینند. وی ابتدا سعی می کند با تهدید و "اخلالگر" و "عدا انقلاب" نامیدن کارگران اخراجی موضوع را خام شده قلمداد نماید، اما وقتی با پافشاری و افشاکاری نمایندگان کارگران

مبارزه کارگران اخراجی چیت ممتاز همچنان ادامه دارد

چندی قبل شورای فدکای کارخانه چیت ممتاز یکی از کارگران مبارز را به "جرم" کمونیست بودن از کارخانه اخراج می کند. این کارگرموقف میشود در کمیته تمام آنها مات واهی ای را که به او نسبت داده بودند رد کردند و از آنجا برگه بازگشت به کارگیری او صادر شد. همچنان با با زکشت و مخالفت می نماید. کارگر مذکور ناگزیر به وزارت کارشکایت می کند. وزارت کار می گوید ما فقط میتوانیم طلبکاری شما را بگیریم و طبق ماده ۳۳ کارفرما هر موقع که دلش خواست میتواند کارگری را اخراج کند. در این هنگام بیش از ۲۰ نفر از کارگران مبارز این کارخانه بمنظور بررسی راه های بازگرداندن کاررگوجان اخراجی تشکیل جلسه میدهند به علت سیدقتی کاررگوجان مبارز کارگر خیرچینی در این جلسه نفوذ میکند و پس از با آن کاررگوجان را جلسه مشخصات کامل کارگری که در آن شرکت کرده بودند را در اختیارش قرار میدهد. شورای فدکای کارگر که بدنبال بهانه ای برای اخراج کاررگوجان میسارز میگشت از فرصت استفاده کرده و بلافاصله با صدور اعلامیه ای کاررگوجان مبارز را متهم به "هنکاری با

باتمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

۱ - شکایت به وزارت کار - کاررگوجان مبارز اخراجی به وزارت کار شکایت میکند اما به نتیجه ای نمی رسند. در این رابطه وقتی نماینده وزارت کار با مراجعه بکارخانه کاررگوجان را قضا و عفا می - خواهد که دلیل اخراج کاررگوجان را روشن کنند



# خلق ها و مسئله ملی



## خلق کرد! رزم تو پیروز باد!

علیرغم با بیوی رزم‌مینی سربرفاری حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، خلق کرد پیروزمندان و با استواری بیش از پیش به بیگانه رومقاومت خوشبین خود ادامه میدهد و هر روز ما را هدیه‌های بیشتری می‌بخشد. قهرمانان در شهرهای مختلف کردستان هستند. دو خیر و برضخون نمونه‌های فراوان دیگر دروغ‌بانی تا حد رزم‌بار در سرکوب جنبش مقاومت خلق کردستان میدهد:

اشنویه ۵۹/۵/۱۸

### حمله‌ای شجاعانه به نیروهای ضد خلق

یک ستون ارتشی به همراه عده‌ای با سوارهای تاک

و در میمنه ۲ هلیکوپتر روستا های "سرکز" و "فرا سرکان" را مورد یورش فذخلقی خود قرار دادند.

این ستون با مقاومت جانانه پیشمرگان دیمکرات مواجعت. پس از مدتی کونا هیشمرگان قهرمان کومله و بیگانه رنیز با ری پیشمرگان دمکرات ستافتند. طی نبرد پیشمرگان قهرمان با نیروهای ضد خلق عده‌ای از نظامیان و پاسداران کشته و یک تاک بدست پیشمرگان رزمنده دمکرات و کومله افتاد ارتش با دیدن شکست حتمی خود از دست پیشمرگان قهرمان، روستای "خالند" و چند روستای دیگر را بتوسط بسته و موجب ویرانی چندین خانه در مناطق مذکور گردید. همچنین هلیکوپترها سردها تا طرف راست را بر باران کلوله‌های خود قرار دادند.

در اثر نیرانندازی هلیکوپترها یک حسب موردا ما بست

کلوله فرا گرفت و دو نفر از رنیزمان رجمکتس آن شهیدند. همچنین در این روز بر اثر انفجار یک مین در اشنویه چند ارتشی رخمی و دوبا سدا رکنه شدند.

سردشت ۵۹/۵/۲۳

### هلیکوپترها در کمین پیشمرگان قهرمان

امروز سه هلیکوپتر ارتشی در منطقه "کلنه" اقدام به پیاپی ده کردن نیرو نمودند. سعدا زیبا ده‌دن، نیرو - های ضد خلق مورد حمله نجا عا به پیشمرگان قهرمان قرار گرفتند. خبری حاکی است که عده زیادی از رنیزمان هلیکوپترها کشته شدند. اما از آما ردفیق کشته شدگان اطلاع در دست نیست.



رزم‌آوران در پال، آتش تداوم انقلاب را در کردستان قهرمان همچنان زنده نگه داشته اند.

بقیه از صفحه ۱۳

### نگاهی ...

و تحولات هنری در این دوران از دیگر جوانان یک بررسی علمی است. از جانب دیگر با بدو جدا است هر آن نوع آگاهی بشری است که خود مستقما، واقعیت را منعکس ساخته و چون علم با کمیت‌های عینی و فانونمندیهای مادی سروکار دارد، بلکه با واسطه تخیل ویا تکیه بر احساسات با واقعیت عینی مربوط میشود. و این همان نکته‌ای است که خلافت هنری را از رسیدگی خاصی برخوردار میکند. به این ترتیب برای گریز از داده‌نگاری، در درک ماهیت طبقاتی هنر با بدین ازمه به عنصر ایدئولوژیک آن تکیه کرد و از این طریق پیوند آنرا با طبقات درون جامعه نشان داد، گرچه ادبیات مشروطه ادبیات آن دوران انقلابی است که با پایان یافتن رسیدن آن زندگی، مبارزه طبقاتی خادرو جهی آنکارو با صراحت و روشنی بیشتر، در منویات بروز کرده و مرز بندی‌های طبقاتی در آنکارا ترس جلوه خود در همه شئون زندگی اجتماعی تحقق می‌یابد. در کنار جنبش‌های فانی بنا به همان ویژگیهای متمایز آن هنر، سرخوردن با شی تا سانه هنر مشروطه تعیین کیفیت هنر این دوران و دسا ورد - های آن در این رشته ارتباط پیچیده به سبکهای مختلف با تحولات جاری و جنبه‌های بیرونی و اجتماعی و ... همه و همه از ضرورت تمام برخوردار است و در واقع آن سوی سکه بررسی ما رگسستی را در حیطه هنرشناسی میدهد که البته در نظر گرفتن تمام این جنبه‌ها، بسیار به خلافت، مهارت و ساخت هنری وسیع و کار فعا لانه دارد که با سدا میداد شد در آئینه صورت پذیرد. ما در اینجا تنها سرخوردی فشرده و گذرا از هنرهای دوره ا را نه می‌دهیم.

ادامه دارد

## ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

– های دهقانی در روستا های کردستان، بوالا نبودن پنا نیل انقلابی و طغ آکا همی و میمنترا ز همه وحدت مبارزاتی خلق کرد نبود. بهمین خاطر، یکما سعدا ز قبا م بهمن، توطئه‌های جنگ افروزان ارتش ضد خلقی با هدایتی مرتجعین محلی از جمله مفتی زاده و ملا حسینی و... شکل گرفت و عاقبت به میماریان وحشیانه ستند که طی آن مدها تن از رجمکتس کرده شده‌اند رسیدند، انجا مید بدنیال کشتار مردم بی دفاع ستند، ننده و... هیئت حاکمه با موجی از خیزش مسلحانه و انقلابی نوده – های زحمتکش کرد در سر کردستان مواجعت. چیزی که بر سر همسنگی خلقها و توده‌های آگاه و مبارز سرسرا بران از کسو، روحا بت و شرکت فعال کمیونیتها و نیروهای مترقی از سوی دیگر هر روز پیش از پیش موجب کسب موفقیت بیشتری برای خلق کرد میگشت.

دولت موقت منتخب آیت الله خمینی، در هر گام خود با طوفان خشم انقلابی خلق کرد رو برو گشته بود. ارسال نامه‌ها، آیت الله طالقانی و... همه و همه نشان از آن می‌دادند که جمهوری اسلامی از سر قرار ی حاکمیت بلاوا، طغهاش در کردستان متماثل نده است. از طرفی حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی و سوبزه کمیونیتها در راستای افشای سیاستهای هیئت حاکمه از کشتار و سرکوب خلق قهرمان کرد و نشانها – ما هیت جنگ کردستان و توضیح خواستهای عادلانه خلق کرد، موجب کشته شدن بخشی از توده‌ها اما ساعت جنگ کردستان و کشتار خلق کرد توسط هیئت حاکمه را زیر سوال قرار دهند. نتایج حاصله، در این روند

بقیه در صفحه ۶

خلق قهرمان کرد، بدنیال دهها سال مبارزه برای کسب خودمختاری و رهائی از قدس ملی - طبقاتی که طغی با لیا حاکمیت رژیم و استهلا میربا لیم تا هر آن تکمیل نده بود، کمتر از دو ما سعدا ز قبا م، با ردیگر (منتخبی اینتا رسید تا ز بقدرت رسیدگان و میوه - جنان انقلاب زبر میماریان و کشتار وحشیانه ارتش ضد خلقی قرار گرفت، نوروز خونین ۵۸ با میماریان ستند، سرآ غا زنها جو وحشیا نه بورژوازی و خورده - بورژوازی حاکم بر این خلق رزمنده بود، این یورش ضد خلقی که در چهار چوب دفاع از منافع طبقاتی کسل هیئت حاکمه و تحت پوشش "جنگ با کفار" و تجزیه طلبی انجام می‌گرفت، بدو هدف عمده را دنبال می‌کرد:

- ۱ - کسب سرکردگی و حاکمیت برای بورژوازی حاکم در کردستان جهت تامین منافع طبقاتی هیئت حاکمه با حمایت از فتوای آنها و زمینداران بزرگ، وادامه استعمار رنوده‌های زحمتکش خلق کرد تحت عنایت "تابعیت استان کردستان از دولت مرکزی".
  - ۲ - جلوگیری از سرایت آتش مبارزات ملی - طبقاتی خلق کرده دیگر خلقها و تشله و رشد جنبشهای ملی در سرسرا بران.
- و درست بهمین خاطر، هیئت حاکمه جدید می - خواست و نسا ما می توانست به خواستهای برحق خلق کرد پیا پی گوید. مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هما هنگی و یکسان بودن اهداف این مبارزات نمی توانست بورژوازی تازه بقدرت رسیده را نگران سازد. این نگرانی در حقیقت پیا مد نمایش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سازمانهای سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده‌های زحمتکش شهری - روستایی در شوراهای شهری و اتحادیه‌های

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۵ ۲۸ مرداد ...

نمیوانست در ریزش توهم بخش اعظم توده های آکا و کده نیو هجینا انقلاب فقط (و فقط) بها اعتبار این توهم بنا نشده اند تا کنون بر مسند قدرت باقی نمانند، بی تاثیر باشد.

رژیم می خواست کردستان را تحت سطره قدرت خود در آورد و برای اینکار لازم بود که از پیششاسی توده های متوهمنا آکا و وسیع شدن آنان با تحریک احساسات مذهبی شان، برخوردار باشد. از طرفی، فعالیتها و افشاکرانه و آکا و کرا با نه نیرو هسای کمونیست و مترقی و شنا شدن، ماهیت خواهانهای عادلانه خلق کزد برای توده های نا آکا ه، مانع از پیشبرد ساستهای فوق الذکر هیئت حاکمه بود. بیس هیئت حاکمه برای آغا و نهیها هم خوش به کردستان می بایست فضای مسموم و تحریک نده بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی ایجاد کند. برای پیشبرد ساست سیاست لازم بود آزا دیهای دموکراتیک و امکان فعالیت - های آکا هکرا به زمانهای کمونیستی و نیروهای مترقی را مورد یورش قرار دهد. ثریا تا انقلابی را توفیق کند و دفاع نیروهای انقلابی را با خاک یکسان سازد. رژیم در اجرای این سیاستهای ضد مردمی، بسا بیج و سازمان دادن دسته های اوپاش و قداره بندی دفاع نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داد، هزاران نسخه از نشریات آکا هکرا نه پیروهای انقلابی بسا آتش کشیده شدند و مدتها تفرد کوشه و کنا رکشور توسط مزدوران رژیم به سینه نه کمونیست بودن مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش در آمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی منتهی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملتر گشت. شهرهای بوکان، سنقر، سنندج و مهاباد و چند شهر دیگر در حمله مرده افتاد - نظامی شدید قرار گرفتند. سقوط شهر بوکان در حد فاصل بین کردستان و آذربایجان بدست نیروهای ضد خلق آغا زکشتا روحیانه تر از زبیش خلق کرد توسط هیئت حاکمه بود. موج قتل عام در کردستان برای افتاد مدتها تن از زحماتشان خلق کرد بوسیله سینه ها و گلوله ها و خمپاره ها و دیگر مهمات آمریکا ای ارتش آریا مهری بخون خویش در غلطیدند. دهها تن از انقلابیون کمونیست و فرزندان مبارز خلق کرده جرم کمونیست بودن، توسط جلادان کله یوکی نظیر خلخالی به جوخه اعدام سپرده شدند. ابعا داین نهیها جم بدی بودند که حتی ایران و کودکان خردسال نیز از قتل عا مدران نمانندند.

یورش رژیم به خلق کرد اگر چه در ابتدا، با تسخیر خری شهرها با پیروزی ظاهری همراه بود اما مقاومت حماسه - آفرین توده های زحمتکش کرد و نبردهای قهرمانانه پیشمرگان رزمنده خلق کرد بر این تفکر که رژیم بسا محاصره نظامی - اقتصادی و کشتار خلق کرد نتوانسته است آتش مبارزات دلیرانه و قهرمانانه آنها را سا مدتی خاموش کرده اند خط بطلان کشید، چرا که خلق کرد با مبارزات خود به اشکال مختلف، از ضمن، اعمتاپ و نظرات شکوهمند در شهرهای مختلف گرفته تا نبرد مسلحانه پیشمرگان قهرمان با نیروهای ضد خلق، از نظریه سیاسی - استراتژیک و تا حدی نظامی آنجنگسان شکستی را به رژیم تحمیل کرد که سردمداران آن را وادار

انقلاب فرهنگی از خون دهها تن از دانشجویان انقلابی رنگین ساخت و در حقیقت دست به همان تا کتیک زد که در یورش ۲۸ مرداد ۵۸ از آن بهره گرفته بود. اکنون با ردیگر رژیم خسیال خام خود بر کردستان مسلط گشته و حاکمیت جمهوری اسلامی اش را در کردستان برقرار کرده است اما واقعتا خلاف این بندار خام رژیم ارتجاعی را نشان می دهد خلق کرد میبارزه بی امان چو دبا نیروهای سرکوبگر رژیم دام می دهد روزی نیست که ما تا هدجا نیا زیبا و قهرمانیهای توده های کرد و پیشمرگان رزمنده خلق کرد در شهرهای کردستان

- مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هماهنگی و یکسان بودن اهداف این مبارزات نمیتوانست بورژوازی تازه قدرت رسیده را نگران نسا زد. این نگرانی در حقیقت پیامد نمایش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سا زمانهای سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده های زحمتکش شهری - روستائی در شوراهای شهری و اتحادیه های در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و سطح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.
- هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش در آمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی منتهی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملتر گشت.

نیاشیم و همجنس روزی نیست که ما ضربات کساری فرزندان مسلح خلق را بر نیروهای ضد خلق شاهید نیاشیم. رژیم با توطئه سکوت در مورد خلق کرد و سزرک نما شدن به اصطلاح فوجا خود، می خواهد مبارزه - ای را که همچون رودی خروشان در کردستان جریان دارد از پیش چشم توده ها و خلقها پوشیده نگه دارد بنا بر این وظیفه کمونیستها و ما نیروهای انقلابی و مترقی و سرعیده ما موده های آکا هومبارزات که اخبار مبارزات انقلابی خلق کرد را به طریق ممکن بکوش خلقها و توده های زحمتکش برسانند و با حمایت فعال و همه جا بسا ز خلق کرد، توطئه های رژیم را در سه اسزوا کشیدن خلق کرد، خستی سازند.

پیروزی دجنستین مفاومت خلق قهرمان کرد برقرار را دجود مختاری خلقها در جها رجوب ابراسی مستقل و دمکراتیک

خروج ارتش و اسد اران از شهرهای کردستان و یورش ضد خلقی مجدد به آنها، رژیم یزیکر اکیهای فرسیکارانه ای در حرکت سیاسی خود انجام داد و در مسنه مسا عدتری برای تهاجم مجدد به کردستان فرا هم ساخت. تصرف سفارت آمریکا و وسیع توده های متوهم و نا آکا ه حول شعارهای نو - خالی که امیریا لیسیم آمریکا را بدون دست زدن بسا به پا نگاه مادی آن (سرمایهداری وابسته) در آسمان مورد حمله قرار می دادند از طرفی و در کسریهای مرزی بار رژیم فاشیستی بعث عراق، از طرف دیگر منسنگ مناسی برای جمهوری اسلامی نجات عنوان مبارزه ما امیریا لیسیم آمریکا و رژیم بعث عراق در جهت سرکوب خلق کرد و نهیها جم مجدد به آزادیهای نسبی که بعد از عقب نشینی رژیم ز کردستان ایجاد شده بود فرا هم ساخت چنانکه ما تا هدیدیم که رژیم همزمان با یورش بسا کردستان و قتل عام خلق کرد، دهانگها را تحت عنوان



پاداری که در عکس مبینید ناظر و نگهبان اجساد عوامل پالیسیان و حکومت ارتجاعی بعث عراق نیست. وی ناظر اجساد هموطنان زحمتکش کردی است که در فتوای هجوم سال گذشته آیت الله خمینی بدست پاداران و ارتش ضد خلقی بسا شهادت رسیده اند.

## برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دموکراتیک



### داستان، شیعه تراشی، و خداشناس شدن چه کوارا در تلویزیون!

از قدیم گفته اند "الغریب یثبت بکل حبشیث" یعنی غریب به هر خسی و خا ناکی چنگ میزند. این ضرب المثل شامل طبقات و ایدئولوژیهای ورتخته‌ای که میکوشند بیروسیله‌ای چنگ زندنا بلکه علت وجودی خودرا توجیه کنند و خودرا موجه و قابل قبول نشان دهند نیز می‌شود. زمانی در دوره موفیه "شیعه تراشی" معمول بوده تبلیغاتی‌های حکومتی می‌نشستند و هزار آسمان و ریسمان را بهمی‌می‌بافتند تا ثابت کنند که مثلا فلان شا عر معروف و محبوب مردم شیعه بوده است نه سنی! و فضای خنده‌داری می‌ساختند. به این ترتیب بود که سعدی و حافظ و فردوسی پس از آنها و قرن‌ها که از مرگشان میگذشت با "تعبیر و تفسیری" که از شعرهایشان میشد "شیعه‌علی" آژاب درمی‌آمدند و فلان فیلسوف که سالها تکفیرش کرده‌وا و آژاب را به بیباکیها کرده بودند، بزرگ ترین خداشناس میشد و "مدرا المتالهین" لقب میگرفت فلان دانشمند و طبیب تا گرد فلان امام آژاب درمی‌آمد و قس علیها. بعد از شهریور ۲۰ و شکستن دیکتاتوری رضاخانی و بدنبال بیروزی گسترش جنبشهای اجتماعی در ایران، برخی گروههای مذهبی پیدا شدند و سعی کردند اعتقادات مذهبی را با رنگ و لعاب علم‌دانش جدید به دیگران عرضه کنند با زمین فضا بنحوی دیگر تکرار گشت. کسانی که پای منبرها نشسته اند تا این هفت که برخی وعظ با آژاب و تاج نام یکی دوا هم خارجی را حفظ کرده، بهی تکرار می‌نمودند که آنها مثلا در باره اسلام... چنین و چنان گفته اند و با لحن خاص و تلفظ ویژه منبری بگوش "مستمعین" میخواندند که دکترو گستاخ و لویون فرانسوی یا "دکترا فلا میون" یا "ولتر" یا "جرج جرداق مسیحی" راجع به اسلام با حضرت علی چنین و چنان گفته و "حقانیت" اسلام را از زبان آنها نتجحه میگرفتند! البته خالاهمان بحثها و حرفهای قدیمی و کهنه را در "حشهای ایدئولوژیک" روزنامه‌های رسمی اسلامی و رادیو تلویزیون فراوان مٹا هده می‌کنید).

اگر سالها نوبت شعرا، دانشمندان، مسیحیان یا یهودیان معروف بود که پس از مرگ شیعه‌ها مسلمان شوند. حالا نوبت انقلابیون و کمونیستهای است که مهر خود را بر مرحله‌ای از تاریخ مبارزات خلقها چنان کوفته اند که نمیتوانند متکثران شود دستگناه تبلیغاتی جمهوری اسلامی نمیتواند برای جانداختن "اندیشه" خود از نام آنها سو استفاده کند. خود طرف هم البته مدتهاست "از دینا رفته" اونی نمیتواند اعتراضی کند! اینجا است که چه کوارا، انقلابی معروف آمریکای لاتین در مقدمه فیلمی که شب جمعه گذشته از تلویزیون پخش شد "موجد" و خدا نشا آژاب درمی‌آید. آژاب نظر گردانندگان جمهوری اسلامی مگر میشود کسی ماتریالیست باشد و چنان فداکاریهایش را بکند! پس حتماه "خدا" معتقد بوده! چندی پیش آیت الله خلیفانی راجع به رفیق فدائی شهید مسعودا حمد را ده هم اظهار تامل فرمودند که

### تهاجم گسترده ارتجاع به نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت

دست زده و با دادن شعارهای نظیر "به تصمیم توده‌ها، زندانی سیاسی آزادا بدگردد"، "شعار هرزحمکتش نان، مسکن، آزادی" و... کینه و نفرت خود را از سیاستهای ضد خلقی رژیم و اوباشان و پاسدارانش ابراز می‌دارند.

#### پنج شنبه ۵۹/۵/۱۶

ساعت ۸ بعد از ظهر اینروز، پاسداران ارتجاع به محل تجمع فرزندگان نثریات انقلابی و مترقی در "زیر شهرداری" حمله کرده و یکی از جوانان انقلابی را که نثریه "زمنندگان" می فروخت دستگیری می‌کنند. بدنبال آن، حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم را بهیما می‌و نظرها را به منظور راه ساختن انقلابی دستگیر شده تلاش می‌کنند اما به علت تیراندازی پاسداران موفق به آزاد ساختن اونی می‌گردند.

#### شنبه ۵۹/۵/۱۸

پس از چندین بار حمله به هواداران سازمان ما در "زیر شهرداری" ساعت ۱/۵ بعد از ظهر این روز پاسداران با بدگره به سطح هواداران سازمان حمله کرده و ضمن پاره کردن نثریات و پلاکاردهای پارچه‌ای بکنفراد دستگیری می‌کنند.

#### یکشنبه ۵۹/۵/۱۹

در اینروز در محل سیزه میدان، زن حامله‌ای سه بها به نداشتن حجاب مورد حمله یک زن متعصب و ناآگاه نوار می‌گیرد. مردم محض بدین وضع به حمایت از زن حامله بر می‌خیزند. در این هنگام پاسداران سر رسیده و به تیراندازی هوایی می‌پردازند. مردم خشمگین به ما شین پاسداران حمله می‌کنند. پاسداران از شدت تنگروا نرا از مردم بهروا سافتاده و با بفرار می‌گذارند. مردم مبارز رشت که از اینهمه بیداد و فشار ارتجاع شتنگ آمده بودند با برپایی راهیما می‌با شکوهی که در آن بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند دست به افتخاری می‌زنند. راهیما بان ضمن دادن شعار - های از قبیل "مرگ بر پاسدار"، "در دما درد شامت مردم ما ملحق شود"، "از قحطی و گزافی مردم بستنگ آمدند"، "آگاه شده‌ها، با بودی ارتجاع" "سراسر خبا بان امیر کبیر را در صفوف فشرده‌ای می‌بیماسند. در انتهای خیابان و در حوالی میدان شهرداری یکی از نظا هر کنندگان سخنرانی می‌کنند که با استقبال گرم مردم رو بر می‌شود. مزدوران عوامل رژیم که از معوج متحد و یکبار چه مردم مبارز رشت ناراحت شده بود در سوسا سه برای متفرق نمودن آنها در میان سرفه برپا می‌کنند. پس ابرپا کنده شدن مردم، اوباشان و فذاره سندان رژیم جمهوری اسلامی ضمن شعار دادن به محسوی افراد مبارزی می‌پردازند و در اس رابطه چند نفر از اهالی مبارز رشت را دستگیر می‌کنند.

در ماه گذشته مردم مبارز و نیروهای انقلابی رشت با راه زیر حمله ضد مردمی پاسداران ارتجاع و اوباش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. حمله به نثریات مترقی، اکنون دیگر بصورت یک شیوه معمول در آمده است و دستگیری فرزندگان نثریات انقلابی روز بروز فزونی می‌یابد. گزارش می‌دهد در زیر ملاحظه می‌کنید شرح جریان حملات مکرر پاسداران به مردم و بساط نیروهای انقلابی و مترقی در رشت می‌باشد.

#### دوشنبه ۵۹/۵/۱۳

در اینروز پاسداران سرما به ده که هواداران سازمان پیکار در مرحله پلیس رشت حمله می‌کنند و ضمن جمع کردن نثریات و علامه‌های موجود، هنگامی که قصد دستگیری یکی از اهالی مبارز را داشتند با مقاومت مردم مواجه شده و مجبور به عقب نشینی می‌گردند. مردم به هنگام فرار پاسداران، با دادن شعارهای نظیر "مرگ بر پاسدار"، "از قحطی و گزافی مردم به بستنگ آمدند"، "این است آزادی ما مردم قضاوت کنید" و... شروع به راهیما می‌و برپایی جلسات سخنرانی و افتخاری می‌کنند.

#### چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵

در این روز پاسداران مجهز ترا زبیش به بساط فروش نثریات سازمان ما حمله کرده و یکی از اهالی محل را دستگیری می‌کنند. آنها در مقابل اعتراض مردم به این دستگیری، با مشت و لگد خان مردم بسد قاع می‌افتند. اینبار نیز پاسداران وقتی با مقاومت یکبار چه مردم مبارز رشت مواجه می‌شوند با نا کامی محل را ترک می‌کنند.

بعد از ظهر همین روز عده‌ای از ما دران زندانبان هوادار ما هدین خلق که در مقابل محل سیا ما پاسداران دست به محسن زده بودند، مورد حمله اوباش و فذاره سندان رژیم واقع می‌گردند. طی درگیری بین مردم و اوباش چند نفر توسط پاسداران دستگیری شوند. بهیمنس خاطر مردم در حوالی محله "دما غمان" به نظا هرات موضعی

اودر شب آخر که پای اعدا بوده مسلمان شده است! اما حیف که چه کوارا نتوانست به ایران با بدودر محضر آیت الله نوری رسما اسلام با ورد و چه مسانام خود را هم مثل محمد علی کلی از رشت سوچه کوارا به محمد چه کوارا تبدیل کند و بهیشت برود!



## تا قاتمین کار برای دهکداران، داشتن دهکها حق مسلم آنان است



## پیروز باد جنبش جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگر جهان بر اساس مبارزات و آموخته‌های خود مبارز و ایستادگی کند. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.

در هفته گذشته جنبش کارگری در لهستان به اوج خود رسید. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.

در این روزها مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.

مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.

در هفته گذشته مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.

مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است. مبارزات جهانی طبقه کارگر در این سالها به اوج خود رسیده است.



اخبار  
ومسائل  
جهانی

## اعتصاب کارگری در لهستان

● جلوه‌ای از مبارزه بر علیه استثمار در کشورهای رونیونیستی

هفته‌های پیش موج سکنی اعتصابات کارگری، چندین شهر کشور رونیونیستی لهستان را فراگرفت. روز جمعه ۲۸ شهریور، ابتدا کارگران حمل و نقل و کارمندان راه آهن در شهر "لوبلین" در منطقه شرقی لهستان به اعتصاب پرداختند. این اعتصاب علاوه بر چندین زندگانی اعتصاب کردند. دامنه اعتصاب علاوه بر چندین کارخانه کوچک، به کارخانه‌های بزرگی در شهر "چلم" در مرکز شوروی و در "کرویکین" واقع در ۳۲ کیلومتری "لوبلین" نیز کشیده شد. بدینا ل آن، علاوه بر اعتصاب کارگران یک کارخانه بلیبرینگ سازی در شهر "گرا سینک"، کارگران برق، استادان اتوبوس و نامی - رسانی لوبلین نیز دست از کار کشیدند. همزمان با اعتصابات فوق، کارگران کارخانه‌های هواپیما سازی در "میلچ" واقع در جنوب لهستان، اتومبیل سازی "اف. اس. او" در ورشو، تلویزیون سازی "زنون" و دو کارخانه ریخته‌گری در "زیراردو" نیز اعتصاب نمودند. انگیزه اصلی تمام این اعتصابات، بهایی بودن دستمزدها و پایین بودن سطح هزینه زندگی و شرایط طاقت فرسای کار بود. مبطوعات رونیونیستی و سازماندهی لهستان، بعد از شکست توطئه امتزج‌روزه خود در مورد اعتصابات کارگری اخیرا اعلام کردند که متوقف شدن کارها!! (بخوان اعتصابات کارگران - پیکار) بخاطر اعتراض به شرایط کار و افزایش قیمت گوشت (بخوان استنمار و حوضخانه‌ها دستمزدها کمتر، شرایط کار کار شور، گرانی، افزایش هزینه زندگی در کشور رونیونیستی - پیکار) می‌باشد. در برخورد به اعتصابات کارگری اخیر در لهستان دو نکته حائز اهمیت است:

### ۱- ریشه‌ها و علل اعتصاب

این ریشه‌ها و علل در کشوری که عنوان سوسیالیزم را یدک می‌کند، رابطه‌ای تنگاتنگ با حاکمیت مشی رونیونیستی در حزب به اصطلاح کمونیست لهستان و دولت و استقرار حاکمیت بورژوازی و مناسبات سرمایه داری در این کشور دارند.

بدون شک در کشورهای نظیر لهستان این اولین اعتصاب کارگری نیست، چرا که چند سال پیش نیز، موج اعتصابات کارگری، لهستان را فلج ساخته بود.

علل عمده این اعتصابات در استنمار ریسر حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است.

بدیهی است که برعکس رونیونیستی، اعتصاب کارگران "سوسیالیستی لهستان" امری غیر منطقی و غیر منطقی است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است.

بدینا ل غلبه رونیونیسم در حزب و دولت کشور - های شوروی و اروپای شرقی احزاب رونیونیست این کشورها بنا به ماهیت بورژوازی و ضد انقلابی - ستان، سرعت دستاوردهای انقلابی تریولتری و دولتهای کارگری را که جنبه‌های هزاران کارگر و حجتش بود، زیرناخت و تا خود قرار داده شروع به ایجاد زمینه - های رشد و تکمیل مناسبات سرمایه داری نمودند.

استقرار این مناسبات استنمار و کارگری توانست مبارزه طبقه کارگری تریولتری و دیگر حجتش و رشد این مبارزه را بدینا ل نداشتن باشد. طبیعی است که استنمار کارگران و حجتش تحت پوشش سوسیالیزم، در این جوامع نمی‌توانند بدون واکنش طبقه کارگر ادامه یابند. چرا که مبارزات افزایش شدت استنمار و شرایط طاقت فرسای کار روزی که مبارزه طبقه کارگری نیز می‌باشد، به یاد نگذرد، اما اکنون با موج تروش اعتصابات کارگری در شهرهای مختلف لهستان روبرو هستیم.

### ۲- ریشه‌ها و علل اعتصاب

اعتصاب کارگران لهستان، نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقه کارگر است.



## مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یابوهای شیخ محمد منتظری (۲)

قسمت اول از مصاحبه با رفیق تراب را پیرامون دروغها و انبیا مانی که شیخ محمد منتظری در مجله پیام انقلاب (ارگان سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد) علیه رفیق ما مطرح کرده در شماره گذشته بکار خوانندید. اینک ادامه مصاحبه:

سوال: آقای منتظری گفته است: "تراب حق شناس که تا بربروز این طرف آن طرف می دود، بعد کم کم سرازمش و الکی درآورد، او در اروپا به کشت و گذار رفت و شما مچهاش که در این ارتباط بودند همرا به این وادی غلطانید؟!)" شما چه می گوید؟

جواب: من از او و امثالش که در صرف مقابل نیروهای انقلابی، کارگران و زمینکشان قرار گرفته اند نوعی جزا بکنونه برداشته اند اما ما حقیقت قضیه را این طرف و آن طرف دیدیم "من چگونه بوده است؟" شما تصور که قبلا اشاره کردم من بعنوان یک وظیفه انقلابی و تشکیلاتی جهت تدارک آموزش نظامی مجاهدین و تماس با انقلابیون فلسطینی جز یک هیات سه نفری (با شهید رسولی مشکین فام و یک رفیق دیگر) در اوایل فروردین ۴۹ از طریق خلیج فارس و بطور قاچاق به خارج کشور رفتم. تلاش ها و تماس ما همزمان منجر به استقرار هیئتهای اعزامی مجاهدین در بنگاه های فلسطینی در اردن و سپس در سوریه و لبنان شد. کسب تجارب نظامی و انقلابی و آموزش مجاهدین یک جنبه از فعالیت ما طی سالهای گذشته بود. جنبه های دیگر از شهریور ۵۰ سببیدن آژانک دهها تن از اعضای سازمان به زندان افتادند شروع شد. ما همگی قرار بود به ایران برگردیم ولی آن غریبه که در آن ساله جشن های نوم ۲۵۰۰ ساله بوقوع پیوست موجب شد که میرکزیب سازمان به من رفیق حسین روحانی و مجاهد شهید محمود شامی و یکی دوفرد دیگر دستور دهد که برای افشای رژیم شاه و فعالیت های سیاسی و تبلیغی و حفظ هسته های سازمان در خارج کشور، موقتاً در خارج بمانیم. ما (با همکاران استقامتانی که گفتیم در درون یک سازمان خلقی غیربولوتری داشتیم) دقیقاً در ارتباط با یابوهای سازمان در داخل کشور و مزارات خلق علیه رژیم شاه و اروپا با این امر بلیست اومیکونیم. تا از کلیه وسایل و امکانات موجود استفاده کنیم در همین رابطه بود که ما عناصر و نیروهای منتزعی ایرانی، چه مذهبی و چه غیرمذهبی و بر اساس تحلیل، شناختی که از آنها داشتیم همکاری میکردیم و با آنها در تهیه برنا مهای افشاگرانه و آموزش انقلابی از طریق رادیو (بخش فارسی رادیو بغداد، رادیو صدای انقلابیون ایران، رادیو سروش و رادیو مینهن برستان) و صدای روحانیت میا (مشارکت فعالان داشتیم. اعلامیه ها، کتابها و نشریات سازمان را چاپ و پخش میکردیم و مقادیری را هم با چاپ معمولی را چاپ ریز شده سازی کرده بودیم داخل میفرستادیم. ما در سازماندهی بخش وسیعی از

داشجویان ایرانی متزعی خارج کشور نیز فعال بودیم و از طریق آنها هزاران نسخه از اعلامیه ها و نشریات ما و دیگر نشریه های انقلابی در سطح جهان چاپ و پخش می شد فعالیت های اعتراضی و افشاگرانه متعدد در برپا میگشت. تماس با انقلابیون فلسطینی و عجمانی و بسیاری دیگر از سازمانهای رهاشی بخش یکی دیگر از وظایف سازمانی ما بود. ما در حد امکان به آنان کمک میدادیم و از امکانات آنها برای تحریک تدارکات، آموزش نظامی و امکانات تبلیغی استفاده میکردیم که منجمله از بخش فارسی رادیو بیخه خلق برای آزادی عمان باید

**رفیق تراب حق شناس:**  
"تاکید میکنم که قبول مارکسیسم از طرف من نه از سرپی اطلاعی از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً با اطلاع از آن بود."

تا مبرده که قریب ۵ سال (از اردیبهشت ۵۳ تا بهمن ۵۷) ادا شده است. رفقای ما در جنگ اردن (سپتامبر سال ۵۷) جنگ لبنان (در جنوب و در کوه) جنگ در لیبی و در خدمتانی نظیر هلال احمر فلسطینی و عجمانی دوشادوش انقلابیون منطقه جنگیده اند و خاطراتی فراموش نشدنی از فداکاری و وفات انقلابی را در خاطر انقلابیون فلسطینی، لبنانی و عجمانی برجای گذاشته اند. رفیق شهید ما رفعتا پیراهن کتون در مرز نظار و بهمن دمکراتیک در کراتشیدای خلق عمان مدفون است.

خرید و ارسال سلاح و مواد لازم دیگر، تا مین و انتقال کتابها و تجارب انقلابی به داخل کشور و نمایندگی سازمان در تماس های بین المللی و بالاخره تحویل گرفتن رفقای که بدلیلی باید از ایران خارج می شدند و عناضات انقلابی که به خارج کشور فرار میکردند و خواستار تماس با سازمان بودند و نیز فعالیتها و دیگر از جمله وظایف ما بود.

طبیعی است این فعالیتها گرفتاریها و مسائلی مختلفی داشت که ما بدلیل می شد. ما واک ما را حتی در خارج کشور تعقیب میکرد. رژیمهای ضد انقلابی که سرا بر منطقه را تحت کنترل داشتند و با رژیم شاه را روابط حسنه بودند برای ما در سراسر ایران می آوردند. رفقای ما بارها در لبنان، سوریه، عراق، ترکیه یا دستگیر شدند یا از چنگ پلیس فرار نمودند. ما چندین نفر از رفقای خود را در همین راه ارتش داخل با خارج از دست دادیم که در مرزها دست رسیدند، رفقا مرتضی خاموشی، حوریه بازرگان، حبیب چابچی که در مرز ایران و ترکیه به شهادت رسیدند آن جمله اند اما نشان گرامی ما!

تلاشهای ما در خارج کشور علیه رژیم شاه تا سال ۵۳-۵۴ در درون یک سازمان غیربولوتری انقلابی صورت میگرفت و پس از آن نیز با انگرش در چارچوب متی چریکی انجام میشدیرفت در خدمت انقلاب و در خدمت خلقمان بوده و در مقابله با سطح مبارزه و فعالیتها که در منطقه خاور میانه جریان داشت و از کیفیت خوبی برخوردار بود.

"نودولتانی" از نوع آقای منتظری امروز، درماندگی خودشان و بسیاری از سازمان فعلی رژیم جمهوری اسلامی را "قراوش" می کنند و برای توجیه وضع کنونی شان با برای خود تاریخ دروغین می سازند که اگر بخوانیم نمونه هایش را مثال بر زمیندارا خواهد کشید و با به لجن پراکنی علیه نیروهای نظیر ما -

بردارند با زشت نشان دادن چهره ما ما یک از چهره های کربه خودشان فرود نیفتد.  
آقای منتظری، تلاش های جدی ساله بخش خارج از کشور ما همدین و سپس بخش منشعب از آن را که سابقه و طبقه تشکیل دهنده و انقلابیون در کشورهای منطقه، در مرزها و بنگاهها و مطبوعات و رادیو و تماس های سیاسی و دیگر زمینه های مبارزاتی به فعالیت انقلابی مشغول بودیم و بنوبه خودمان در امر پیشبرد امور انقلاب بوده های مستمده خلقمان و انقلاب منطقه انجام وظیفه میکردیم و مشقتها زندگی محفشی و تعقیب و زندان و شکنجه و شرکت در جنگ و شهادت را تحمل میکردیم! این در آن در رفتن و گشت و گذار در اروپا می نامد زهی بیشتر می!

او در ادا مدروغهاش، مرا که در آن زمان سابقه اعتقادات سنتی و برداشتی که از اسلام داشتیم خود را موظف به اجتناب از "حرام" میدانستیم و بعدها تخریب از قبول مارکسیسم لنینیسم به احترام سنت راجع بین انقلابیون میمانان از هرگونه مترواب الکی اجتناب کردم گرفتار! "مترواب الکی" می نامد و سابقه و قیضا نه ادعای شما بد که کسان دیگری را هم به این راه "غلطانده ام" خطاب به ایشان باید گفت: آقای فقیه زاده! مطمئناً این دروغ بزرگ، ناشی از اختلال حواس نیست. شما با آنکه ای کامل "مداقت" و "راستی" خود را با این تخریب نشان میدید! واقعا که خیلی سریع بفرغ ضد انقلاب استحال پیدا کرده اید!

سوال: محمد منتظری در جای دیگر گفته است که شما (در سال ۵۴) بدلیل پذیرش مارکسیسم لنینیسم از طرف خودتان را برای او چنین توضیح داده اید که محدودیتها و حسی موجب این کار بوده و با ما رگسیت شدن، دیگران محدودیتها و وجود ندارد. (!)

جواب: این نه فقط ما بل خلقیای یک ذهن مرض بلکه نشان کینه طبقاتی ای است که هر کس در صف دشمنان طبقه کارگر قرار بگیرد نسبت به کمونیستها از خود بیروز میدهد. اینرا بگویم که برای منتظری و امثال او ما رگسیت شدن ما بسیار درد آور بود. شکستی بود که خواش را هم نمیدیدند. آنها همواره ادعا میکردند که کمونیستها از اسلام چیزی نمیدانند و اگر میدانستند به اسلام میگرویدند و حدیث "لوعلموا معالم آثارنا لاتبعونا" بخاطرشان میآمد. اما وقتی دیدند ما که بسیار پیش از ایشان و حتی بزرگترهاشان - اینرا دقیقاً بدون مبالغه می گویم - قرآن را مطالعه کرده بودیم و آنرا آنقدر زنده و متزعی نشان میدادیم و البته به غلط نتیجه میکردیم که اسلام "با احتیاجات واقعی هر عصری پاسخ میدهد" (!). ما که هیچ ابلاغه آنقدر میدانستیم و در تفسیر و تفسیر آن (بعقیده خودمان در آن موقع) و از بودیم که حتی آیت الله خمینی را هم - بقول خودشان - به تعجب میا نداخت (۱) و بارها ند که در مدرسه سید کاظمی (نجف) وقتی به ما سنی قرآن و با نهج البلاغه را برای چندتن از طلاب منجمله آقای دعائی تفسیر میکردم بر حیرتشان مافزود و کوی جز احترام نسبت به ما ندا شدند بطوریکه یکی از آنها خود را در برابر ما "لنگه گفتی در بیان" معرفی میکند. آنها میدانستند که من طی سه سال تحصیل در حوزة قم بقیه در صفحه ۱۵

**زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکنند، حزب جمهوری اسلامی ولیبرالها و رویزیونیستها از او بیدریغ حمایت میکنند**



بقیه از صفحه ۳

قانون ...

این با رجز زبانت را از زوری واقفیت کنار میزنیم تا آنچه که در درون اوست نمایان نشود.

رژیم برای حفظ وجهه خود از مدت قبل در حرف ، بوسیله دستگای تبلیغاتی تیش کارگران و نمایندگان آنها را برای تدوین آئین نامه شوراها دعوت به همکاری میکرد و چهره بظا هر دمکراتی بخود میگرفت! ما در عمل ما بهت فدا خلقی خود را درسی توجیهی به نظر نطوره های خلق و پاسداری از منافع سرمایه داران به نامایش گذاشت. نمایندگان واقعی و کارگران مبارز هیچگونه دخالتی در تدوین آئین نامه ای نداشتند. واضح است که این آئین نامه در ظاهر فایده ای در سینه و بوسیله کارشناسان سرمایه داری و تا بدیر خسی از نمایندگان خود فروخته نوشته شده است و به امضای بنی - صدر ، رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب رسیده است و این درحالیست که در مدت چند هفته قبل از این بنی - صدر فریاد میزد ، "شورای شورا" بنی صدر که متوجه شده نمیتواند کارگران را از داشتن تشکیلات خود منع کند از درگیری وارد شده و چنان لایحه ای را تصویب میکند که شوراها را از درون خالی کرده و آنها را به آلت دست دولت و سرمایه داران تبدیل نماید.

آئین نامه شورای کارکنان (یعنی شورای کارکنان) که از تمام کارکنان یک شرکت اعمال زکا رگر ، سرپرست فورم کارمند ، مهندس ... و مدیر تشکیل میشود) با مصلحت انداز در تبلیغ میکند و به قولی میگوید همه با هم بردند! اما کارکنان با رها و بارها در مبارزات خود دیده اند که سرپرستها ، فورمنها ، کارمندان و مهندسی یک کارخانه اگر طرفدار کارکنان را فرمایند ، اگر به آلت دست کارکنان هم تبدیل نشده اند هیچگاه در مبارزه علیه سرمایه داران به ستواری و پیادگی کارکنان نیستند و عموماً در یک مرحله آنها را از مبارزه دست میکشند و کارکنان را تنها گذاشته و بازش میکنند نفوذ و وجود این افراد در تشکیلات کارگری (شوراها) مبارزات پیگیری و انقلابی کارکنان را دچار ریزش خواهد کرد بنا بر این اعضا و نمایندگان شورای کارگری می - بایست از آگاهترین و انقلابیترین کارکنان تشکیل شود ، چنین شورای قادر است که حقیقتاً از منافع مبارز کارکنان یک موسسه یا کارخانه نیز در مقابل سرمایه داران ، از اطمینان حمایت نماید و با حد اکثر آنکه سایر کارکنان اگر به لزوم تشکیلات مستقل خود برسند می - توانند افرادی از میان خود بعنوان اعضای شورا انتخاب کنند و شورای خود را تشکیل دهند که در این صورت شورای کارگری با شورای کارکنان دیگر همکاری خواهد نمود ، البته با توجه به این مسئله که قدرت اصلی در کارخانه با مدیریت شورای کارگری باشد.

اما بنی صدر رژیم تبلیغ شورای کارکنان چه هدفی را دنبال میکند؟

ماده ۴ آئین نامه تشکیل شوراهای اسلامی میگوید: "مجمع کارکنان از کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگران تا مدیر تشکیل میشود." و در ماده ۳ انتخاب اعضای شورا ، تصویب اساسنامه و رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارشات شورا را جز وظایف مجمع کارکنان میگرداند یعنی آنکه مدیران کارخانجات نیز با بد در انتخاب شورا حق رای داشته و در تصویب اساسنامه و غیره دست داشته باشند.

ما هم غیره دست داشته باشیم. ما هم بر سر میز کارکنان مدیران چه کسانی هستند؟ مگر نه آنکه آنها با خود سرمایه داران است که اجرا کننده او است و دستور است سرمایه داران هستند ما می بر سر میز آنکه کارگران باید حق و حقوق اقتصادی خود را از زمین مدیران بگیرند و مگر نه آنکه کارگران شورا تشکیل مدهند تا بوسیله آن بتوانند علیه مدیران سرمایه داران که بلاشک جز دشمنان طبقه کارگر محسوب میشوند مبارزه کنند پس منظور از رای دادن مدیران به شورا چیست؟ بجز آن است که عوامل دست نشاند خود را وارد شورا کنند و شورا را از درون خالی نمایند! بلکه این است یکی از خواسته های رژیم جمهوری اسلامی ، خواهی است که مستقیماً علیه کارکنان و تشکیلات آنها است و تا زده این شروع کار است چون رای دادن که هیچ ، رژیم چینی میخواهد کاری کند که خود مدیران عضو شورا هم باشند. اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید: "به منظور تأمین قسط اسلامی و همگامی (!!) در تهیه برنامها و ... شوراها را که مرکب از نمایندگان کارکنان و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران ... تشکیل میشود" و با در ماده ۷ بندب خبلی واضح تر مقصود خود را بیان میکند: "شورای اسلامی کارکنان می بایست حتی الامکان در بر سر کبرنده تخصصهای مختلف بوده و همچنین از زده های مختلف اعمال کارکنان ساده و مدیریت در شورا عضویت داشته باشند." رژیم برای پیش برد اهداف خود بوضوح پیوندناگسستی اش را با سرمایه داران نمایان می - سازد و بیشتر ما نه نشیخون آلود خود را بر شوراها ، این دستاورد پر ارزش قیام فرمود میاورد. نفوذ مدیران در شوراها یعنی نفوذ دشمنان کارکنان در سرگرا آنها. در این سنگر گیری رژیم جمهوری اسلامی دست در دست سرمایه داران و امیرالایم در سنگر مقابل قرار گرفته است و بدستی قدرتمندترین دشمن خود را کارکنان و زحمتکشان تشخیص داده است. و بهترین راه وارد آوردن ضربت خود را بر کارکنان و دهقانان نفوذ در درون تشکیلات آنها یافته است و در این راه این قانون سرمایه داری است که به کمک آنها می آید و دست آخر برای آنکه این عمل خود را لایق ثانی کند و وجهه ملی و اسلامی و بشر دوستانه آن را بکشد ، نام این عمل را همکاری و همبستگی میگذارد. چنانکه در ماده ۴ می - افزاید: "شورای اسلامی کارکنان از زمین کلیه کارکنان واحد اعمال زکا رگرها مدهند مدیر (!!) انتخاب و بمنظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور ... ایجاد روحیه مسئولیت ، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خود - کفائی اقتصادی (!!) و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند." این همان قل و زنجیری است که در باره رجز زبانت پیچیده اند ، نفوذ مدیران ، کار - مندان و سرپرستها در شوراها ی کارگری بمنظور همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان (در حقیقت به منظور از هم پاشیدن تشکیلات کارگری) این همان عملی است که باعث "تحکیم مبانی جمهوری اسلامی" میشود ، بلی که ملا درست است ، تحکیم مبانی جمهوری اسلامی بستگی به آن دارد که سرمایه داران و عوامل آنها هر چه بیشتر در تشکیلات کارگری نفوذ کنند و آنها را از داخل ملاتر سازند ، بستگی به این دارد که قدرت توده های خلق که در تشکیلات آنها تجلی یافته بودند نباشد ، و این

درست همان چیزی است که امیرالایم خود را مدتها است انتظار آنرا میکند و بوسیله بادی خود جدره های حاکمه و جدره خراج از آن این هدف را دنبال میکند اینجا است که منافع امیرالایم چنانخواه رویا یکسره داخلش یعنی سرمایه داران و دولت آنها در هم گره خورده است و سنگروا حدی را تشکیل مدهند و اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی جاده ما فک امیرالایم جها نخواه است .

تا زده موضوع به اینجا ختم نمیشود ، احتیاج به ماده و بند و تبصره و تفصیلاتی است که این نفوذ را تا عمیق شوراها ادامه دهد. ماده ۸ لایحه میگوید: "به منظور گسترش مشارکت عام مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و ایجاد روحیه همکاری هر چه بیشتر آنان در اداره امور خود و افزایش احساس مسئولیت پذیری مردم در حفظ و پاسداری از انقلاب شورای اسلامی کارکنان با بد نماینده خود را در مدیریت معرفی کند. در واحدهای کوچک بعنوان همکار و در واحدهای بزرگ بعنوان عضوا ربط با عهده داری مدیره" ظاهر بسیار شای دارد! نماینده کارکنان با بد در جلسات هیات مدیره شرکت کند ، از تصمیمات آنها با خبر شود ، و کارکنان را در جریان امور قرار دهد. ولی وقتی بقیه آئین نامه را مطالعه کنیم این ظاهر بسیار کمزور و ما بهت آن خود را نشان میدهد. در بند ۳ وظایف عضوا ربط میگوید: "جلب همکاری کارکنان در جهت اجرای صحیح تصمیمات مندرجه در مدیریت" یعنی آنکه وظیفه عضوا ربط آن است که کارکنان و کارمندان را به اجرای صحیح تمام آن چیزی که هیئت مدیره تصویب کرده است وادار سازد ، یعنی نماینده شورا به چماق سرکوب کارکنان تبدیل شود ، نماینده شورا موظف است که تصمیمات هیات مدیره را بدستی اجرا کند .

پوزش و تصحیح

در شماره ۶۶ صفحه ۶ شوری از رفیق شهید احمد مودن آمده است که فرار بودی دستخط خود رفیق چاب شود ولی متأسفانه عین دستخط چاب نشده است. ضمن پوزش آن را در مجموعه با دنا مه شهیدان ، خواهیم آورد. تصحیحات ضمیمه ۶۶

صفحه ۲ ستون ۱ پاراگراف ۲ سطر ۲: بجای "شبه تولید سرمایه داری در جامعه وابسته" ، "شبه تولید سرمایه داری وابسته در جامعه" آمده است .

صفحه ۲ - ستون دوم پاراگراف دوم سطر ۱۵: بجای "عملکرد سرمایه مالی امیرالایم" ، "عملکرد سرمایه مالی" آمده است .

ستون سوم پاراگراف ۲ سطر ۲: "بخوان با انحصارات امیرالایم و صاحبان سرمایه های انحصاری وابسته" درست است که کلمه امیرالایم بیستی جا افتاده است .

صفحه ۳ ستون ۱ پاراگراف دوم سطر ۷: "... در عین حال خرده بورژوازی - منهای بخش محافظه کار و ارتجاعی آن" درست است که بخش جا افتاده است .

صفحه ۳ ستون دوم پاراگراف دوم ، ۱۰ سطر شده به آخر ستون: "بسیار خرده بورژوازی یعنی بسیار نگر طبقه سیالی است که ... بجای کلمه سیالی اشتباه سیالی تایپ شده است .

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



بقيه از صفحه ۴  
مبارزه ...

آنها ابتدا ادعا می کنند که این عده کمونیستند و نگاه که نما بنده وزارت کارستند می خواهد عیبانی شده و می گویند: "آما، ما سدی نداریم، بنویسید آنها را طبق ماده ۳۳ اخراج کرده ایم!"

۲ - مراجعه به مطبوعات (کمیابان اطلاعات و انقلاب - اسلامی)

۳ - کارگران اخراجی هر روز بطور مرتب در برابر در کارخانه جماع کرده و هنگام تعطیل شغلیست کارگران برای آنان صحبت کرده و در مورد شورا و مدیریت به افشاکاری می پردازند.

در ضمن در این مدت چندین اعلامیه و تراکت از طرف نسر بهای "بنک ساج" و "ساج مبارز" و همچنین یک اعلامیه مشترک از طرف این دو نشریه و "عده ای" از کارگران مبارز در کارخانه و نیز جلوی در آن در سطح وسیعی بخت نهاده است. کارگران برخلاف گذشته بیشتر اعلامیه ها را خوانده و آنگاه آنها کرده و در جیب خود می - گذارند. افشاکاریهای کارگران مبارز از درون کارخانه و بیخارج اعلامیه های افشاکرانها شیر خوشی روی کارگران گذاشته است. مبارزه کارگران اخراجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادامه دارد.

بقيه از صفحه ۱۶  
یاد ...

در دانشکده تان فعالیت سیاسی اثر را دنبال کرد. در آذرماه ۱۳۵۸ در رابطه با مسائل سیاسی - اندولوژیک هوادار سازمان شد. اسامان به منی را متین بیولتاریا اکنون وظائف تکنیکی بر دوش گذاشته بود. دیگر او می توانست در سازمان رنج و زحمت اهرمیسای انقلاب را ببیند. سوختن مسلم به صفوف دانشجویان هوادار سازمان مادر آذرماه ۵۸ فعالیت سیاسی او را مدجندان نمود. مسلم دیگر شما مرید کیش را و بعد انقلاب کرده بود. خانه روزندگی را سزها کرد و با سگونت در خانه های میدان غار به کار خود در میان توده های زحمتکشان وسیعی انبساط داد. انضباط تشکیلاتی و بینکاران انقلابی را نیز همه رفتاری بود که با او کار میکردند. او در مدت کوتاهی بدلیل استعدادش بویژه در امریناس با توده های زحمتکشان جذب آنها بسوی علم رها طیغه کارگر رند بریمی در تشکیلات دانشجویان هوادار یافت.

سرانجام مبدئال یک وظیفه تشکیلاتی در تصادف با یک کمیسی (در سراه فرخاوند) کارگر افشکس که با عشق به بیکاری سخت وی امان در راه آزادی طبقه کارگری تمیید از حرکت باز ایستاد. اما پیدا است که راهش جاودان است و پیدا است که همه رغفانی که با او در بیکار زهمرا بودند از این علاقه و انضباط و بینکار رفیق در سهای گرانسهای آموخته اند.

با دشکرامی و راهش با بنده بساد!

بقيه از صفحه ۱۶  
مردم ...

حاجی ناصر، بویژه نامه ای منتشر کرده است. آخرین خیرحاکمی است که دادگاه به اصطلاح انقلاب با گرفتن ۵ میلیون تومان وثیقه، با رد دیگر حاجی ناصر آزاد کرده است ولی آبا زحمتکشان اسلام شهرهای این دادگاه را ناشد کرد؟!

## سیاست های جدید ضد شورایی و ضد کارگری هیئت حاکمه را در صنعت نفت هر چه بیشتر افشا کنیم!

علیه پس مانده های رژیم گذشته تب و تاب تازه ای یافته است. همچنین درگیریهایی بین جناحهای مختلف هیئت حاکمه و ناسیونال در درون صنعت نفت و انجمن اسلامی آن و بهم خوردن سیاستها و برنامه های رژیم برای کنترل و تضعیف شورا و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران و کارمندان، همه و همه واقع را تغییر داده است.

رژیم دیگرمانند گذشته بر شورا تسلط ندارد و انستک مجبور است به کل آن لگند زنده و آسرا از سر راه خود بر دارد. سیاست نفوذ در درون شورا و به انحراف کشاندن آن، سیاست لباس زدن به شوری بودن، ریش گذاشتن و تسبیح بست گرفتن و ادعای مصلحتی کردن دیگر سبزی شده است. شورا اینک موی دماغ شده و با زجولوی با برداشتنه شود. به همین جهت است که رژیم بنا بر سرما سگ فریب از چهره برداشته و دیگر درگیریهایی درون صنعت نفت را دعوی بین اسلام و کمونیسمی داد و آنگار با کل کارگران و کارمندان در اصفاه و در این رابطه است که تصمیم گرفته خبال خود را از زحمتکشان را بحد کند.

معین فرطی بخسانهای که بمناسبت انصابت شماسی ما در کرده زوی میخواستند کدای که "بافرست - طلشی بصورت چهره های انقلابی نفس ضد انقلاب را بازی می کنند" مقابله کند. (با کدای ما ۱۰)

اولین تعرض شماسی علیه شورا اینگونه آغاز می شود: دسر شورا به اتفاق ۵ نفر از نمایندگان شورا ی تعمیرات مارون شرق با حکم شماسی معلق میشود. اما جرم اینها چیست؟ شورای تعمیرات شرق اهورا زبسه قوی فکرمعترض سر بریده رژیم پیشین اجازه نداده است که آزادانه دست به انتحاب بزند و شماسی با بدست زری که دارد میداند از چه کسی باید دفاع کند و یا چه کسی در نمایندگان شورا، فردا اخراج غیر مصلحان صنعت نفت و بعد ...

کارگران و کارمندان ما در صنعت نفت! سیاستها و اهداف تازه رژیم را افشا کنید. واقعیاتی که پشت تعمیر و تحولات اخیر خواسته است، برای کارکنان صنعت نفت با زکون کنید. شماسی ها، تندگوییها را به کارکنان صنعت نفت نشان دهید و اهداف آنها را در رابطه با توطئه علیه شورای صنعت نفت، اخراج نمایندگان انقلابی ... بر ملا سازند.

از شورا های خود بخوا هیدنا همنا نظور که تحریه دفعه قبل نشان داد با سرکاری مجمع عمومی و مراجعه شده های کارگرو کارمند، نظرات انقلابی شمارا پس ببرد. سیاستها شدکتهها مجمع عمومی می تواند شورا را زده ای که عناصر را رتکار برای آن کشنده اند بر خردارد. مجمع عمومی میتواند شورا را تحکیم کند و با قوت گرفتن شورا از نیروی کارگران و کارمندان بوسیله مجمع عمومی و حمایت کارکنان دیگر، هیچ شیروئی را قادر به مقابله با آن نیست.

تب و تاب مبارزه کارگران و کارکنان صنعت نفت علیه پس مانده های رژیم پیشین همچنان زنده مانده و این در حالی است که دیگر ما یک فریب و نیرنگ از چهره رژیم جمهوری اسلامی دریده و توده های بسیاری معلوم گردیده که این رژیم به درستی تا من منافع کارگران و زحمتکشان بنگه ما با در جهت بازسازی همان سیستم گذشته (سیستم سرما به داری و وابسته) قدم بر میدارد.

بدنحال تصفیه برخی از عوامل وابسته به رژیم سابق در صنعت نفت ا هوا زک توسط شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت ا هوا را خجا م گرفت و پینتسانی وسیع کارکنان را به همراه داشت. معین فروریز گرفت شماسی این کهنه لیسرا ل رسوای صنعت نفت را به سمت ریاست اداره مناطق نفت خیز کارا د و به او اختیارات زیادی واگذار کرد.

شماسی که بهنگام مسافرت با زرگانی به مناطق نعتخیز تشکلی بدنحال بند کردن خود به هیات ویژه اما م بودند تا در تقسیم غنا شمیستهای صنعت نفت جاشی برای خود دست و پا کند، بعدا به آستانه نوسوی مدنی خلد رفت و مدنی به سمت معاونت در دفتر او به کارگمارده شد. وی اینک با فرا گرفتن در این ادارات صنعت نفت به آرزوی دیرینه خود رسیده است.

شماسی زما بنیکه خود شخما در شورای مرکزی حضور داشت تا مگو شراش بر این بوده که شورا را به عنوان زاننده دستکاهی دولتی در آورده. وی همچنین مسی کوشید تا با آب تیره بخت بر سر هات مدیره فاسد ساز با کساری آنها جلوگیری نماید. او حتی در شورا اسناد با کساری عوامل رژیم پیشین را به سرقت برد.

گذشته از شماسی، معین فرانتخاب دیگری هم کرده است. وی محمد جواد تندگویان را که زمانی در کمیسنه با اصطلاح با کساری همدست حیدری (هزا وه ای مغسوفه بود، اینک بجای سرکسان به مدیریت مناطق نفت خیز منصوب کرده است.

تندگویان پس از این اعصاب بلانای مله جمع - آوری عناصر وابسته به رژیم سابق می برد از دو یستهای حاس مدیریت را به آنها واگذار می نماید. مثلا وی "حاجیان شهرانی" را که یکی از دست پروردگان کنسرو سیوم است و در ما گذشته توسط شورای مرکزی اخراج شده بود به عنوان مشاور فنی خود برگزیده است.

رژیم جمهوری اسلامی گذشته از این تغییر و تحولات و جابجایی ها، از آنجا که شورا را مدرا ه خود می بینند انحلال آن را در دستور کار خود قرار داده است.

اگر طی بکال و نیم گذشته رژیم به توهن زادی که کارگران و کارمندان این شرکت منته به رژیم داشتند و آنرا دولت منتخب خود میدانستند، سردمداران حاکم توانستند با استفاده از عواملی چون شماسی و دارودسته انجمن اسلامی شورا را به سازش کشانده و در جهت اهداف خود سمت و سود دهند. اینک این زمینه شکل سابق وجود ندارد. مبارزه کارگران و کارمندان جزء

## تازمانیکه ۳۵٪ بر دست تمزدها افزوده نشده "سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد!



نقشه از صفحه ۱

بیکاری، و کاهش ورکود تولیدات صنعتی و وضع وخیم سیاسی در جامعه، تنها از طریق دگرگونی بنیادینی نظام مصلحت سرچا معدوم استوار یک نظم نوین انقلابی امکان پذیر می باشد. و این نظم نوین نیز جز از طریق فرار گرفتن بریلناریا و متحدان تاریخی اش یعنی تمام زحمتکشان در رهبری انقلاب میسر نمی باشد. انقلابی که ما سرکون کردن نظام سرما بهداری وابسته، با دیوگرا نتره کردن حیات سیاسی کشور (سپردن حکومت بدست زحمتکشان از طریق تشکیل شورای کارگران، دهقانان، سربازان، و...) و راه آبروی او سالیسی کردن تمام مومثل تولید جمعی هموار میسازد. این انقلاب تنها با انکاسه نیروی لایزال بوده ها و وسیع تمام نموده های فعال می توانند تا زهای تمام زحمتکشان را مرتفع ساخته و دشمنان زحمتکشان را جوعا مل مده انقلاب داخلی و جدولتدهای خارجی مده انقلاب جهانی را در نقطه نما بودنما بد. تنها چنین انقلابی قادر است نیروهای تولیدی را انکامل بخشد، اسعدا دارا تکوفا نموده و درجهت خدمت به خلق با اورنرنا خود به نرسیم و شکل هر چه بیشتر بریلناریا و زحمتکشان برداخته و لحظه ای از منافع همه زحمتکشان و آگاه نمودن آنها به منافع تاریخی و طبقاتی شان غافل نمائند.

بورژوازی سیر برای پایان بخشیدن به این بحران راه حل خود را در ادرومی جواد از طریق نابری آنها های یوسده سیستم سرما بهداری وابسته، سانجام یعنی رفرفرین در چهار جوب همین نظام ویا "مسروغ" جلوه دادن سرما بهداری به بحرانی که خود اناسی سرما بهداری است خانه نمند. شم بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می داند تا زمانیکه بحران موجود اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست طلعه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید. و همین دلیل نیز هیئت حاکمه کنونی بلافاصله بعد از استقرار گرفتن در قدرت سیاسی در ۱۷ ماه پیش خواهان حل این بحران بنحو "مدا بندهای" - بخوان به معنی - سرما بهداری وابسته بود، کوشش بدریغ ایبا زرگسان درباری از آنها دگشور در چهار جوب سیستم سرما بهداری حاکم بعد از آن فعالیت های شنا به روزی نبی- صدر دارا به همان سیاست های ضد مردمی با زرگسان بنا تکو خواست این رژیم بورژوازی در حل ویا پایان بخشیدن به این بحران روبه رتد می باشد. اما هر خواستی نوانست نیست. هم اکنون بحران ناشی از سرما بهداری وابسته دلیل شدت یوسدگی این نظام وند او همس بحران در چند سال گذشته موجب شده که این بحران عمیقاً در تمامها های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی جامعه ریشه دوانده و رشد و گسترش یابد. بعلاوه نوده های استمدیده زحمتکشان و قهرمانان ما نیز که ما لیان نمادی در بدترین شرایط و در فقر و سیه روزی زندگی کرده اند و یا میازات قهرمانیانه خود بی رحم ترس و خوینوارترین قدرت سیاسی را به عمالق تا رسیخ سپرده اند و بگریه رفرفرینهای بینی مدری در ستر همان سیستم سرما بهداری وابسته تن در نمده اند. خدمت بحران موجود و خواست انقلابی نوده ها باعث شده که هیئت حاکمه با اینکه "وخاصاً اوماغ" از ادرك می نماید ولسی هر روز تا توانسترا زبیش در راه یک سرما بهداری است

کار ساز در باره این بحمدن به بحران موجود است. بهمن دلیل است که سیریت برنا مه و بودجه ضرخسا اعلام می کند که "سرما بهداری زمدت به علت نواقص بحران کشور، آرمانها و هدفهای این جمهوری غیر قابل تهیه است و برنا مه کونا ه مدت مابع جریانات روزی باشد." - گنجان ۲۱ خرداد -

نظرات اخیر سنی صدر - این سوز و آفرین نیست دور اندیش که فکری کند جوات همه ما نل را آما دهد آسین خود ادره - بوضوح و ریکسکی و در هم ریکسکی همرا ه طلبا وساست های بورژوازی برای فاشسک

ناگزیر است هر روز بطور متوسط دو میلیون تنگه رفت با قیمت سیکه ای ۳۵ دلار به کشورهای خارجی بفروشد ۷۷ میلیار د تومان از طریق درآمدهای عمومی یعنی مالیات و عوارض کمتری و... و بقصد یعنی ۴۳ میلیار د تومان نیز دولت کسری بودجه خواهد داشت، که دولت این کسری را با بهداری طریق فروش اوراق سبنا دار منتقل فرزند ملی و با اجاب اسکان های جدید امن نکند. آرتنا که دولت از فروش نفت از رخا رخی مثلا دلار سنا مارک ویا... دریافت می کند، ضروری است که این ارز را به نحوی به بول رایج در داخل کشور یعنی رسال

- شم بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می داند تا زمانیکه بحران موجود اقتصاد و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید.
- خدمت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با اینکه "وخاصاً اوماغ" را درک می نماید ولی هر روز تا توان تراز بیش در راه یک سرما بهداری و سیاست کار سنا ز در پایان بخشیدن به بحران موجود باشد.
- برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد، واردات کالا از خارج ب میزان ارزی که از این بابت دریافت می دارد امریست اجباری

تبدیل نماید، تا بتواند این بول را صرفا مورجاری مملکتی و مور عمرانی کند. نحوه عمل با این شکل است که خود دولت با در دست داشتن این ارزها بخشی را خود ادره به خرید کالا از خارج کشور نموده و بقیه ارز را در داخل به تجارت می فرود و متقابلا بول را بیج داخلی آرتنا در بافت مبدار د. البته تا رنج نیز با وارد کردن کالا از بازارهای بین المللی و با فروش آن در داخل علاوه بر بولی که به دولت برداخته اند مقداری نیز سود بدست می آورند. بدین نحودیده می شود که گردش تبدیل نفت به ارز خارجی که در اختیار دولت قرار دارد و تبدیل آن به بول رایج ایرانی که با زدر اختیار دولت قرار می گیرد فقط از طریق خرید کالا از کشورهای خارجی امکان وجود پیدا می نماید. بنا بر این برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد واردات کالا از خارج ب میزان ارزی که از این بابت دریافت داده شده امریست کلا اجباری، زیرا با دیگر درجه معما، دولت کاری سرما بهداری نه تنها با بدنت را به کشورهای خارجی بفروشد بلکه با سبنا تجار را نیز به وارد نمودن کالا از خارج تشویق نماید تا دولت با بدت آوردن بول رایج داخلی هزینه دستگا های سوز و کوسی و ماشین سوز خود را تا من بنماید. هم اکنون بدلیل اختلالی که در فروش نفت بوجود آمده (اخبار امارات نفتی کشور محدود و نصف پیش بینی دولت در بودجه ۱۳۵۹ تقلیل یافته است) در نتیجه آن دولت با کسری بیش از بودجه روبرو می باشد این کسری بودجه بیش بینی شده قبلی در حدود ۱۲۳ میلیار د تومان یعنی متجا و از ۴۰ درصد از کل بودجه عمومی را تشکیل میدهد.

آمدن سربحان حاکم درجه معدرا سنا نمدهد، ولسی ما حمل محبت ها شی را که در نتیجه بحث قسمت احساس اسجاد ادره در نوشته "روزها بر شش جمهور جکونسه منکدر" - نظور سنا می کند:

"... بحث بهمان نتیجه انجا میدکده بدفعات با مردم در میان گذاشته ام. مطلب ساده است، بودجه ما کسری دار د. اگر ما نخواهیم این بودجه را تمام خرج یکسیم قیمت ها بدست بالایی رود و اگر خرج یکسیم بودجه را صرف یکسیم با دو مشکل روسوزو هستیم، یکی افزایش بیکاری و یکی دیگر تورم و سنا بر این اگر نخواهیم صرف یکسیم برای جذب تورم، کم کردن افزایش قیمت ها، واردات یکسیم اولاشن ما طول می کشد تا سفارشات ما برسد تا سنا با وجود محاصره اقتصادی کارآسانی نیست. سنا بر این یک راه حل دیگر راه حل سیاسی است با این معنی که ما بدجوی ادرت یکسیم که بتوانیم از ممنوعیت اسلامی استفاده کنیم. در افزایش تولید و در اینکه مردم بیکار و رولاشن رغبت کنند. زیرا دگا رکنند و کم مصرف کنند... و گرنه وضع اقتصادی بغایت مشکل خواهد بود... - انقلاب اسلامی - ۴ مرداد -

بنا بر این با توجه به گفته های بالا اثرات کاهش درآمد دولت از تقلیل فروش نفت برخلاف نظرات سنی- مدرو ج از ارا ده وی بود و در شرایط فعلی ناگزیر مشکلات بزرگی را در اقتضا دجا معده که ما حمل سیاست های بورژوازی و مردمی هیئت حاکمه نیز میسازد، بشکل زسیر جوا هذگذا شت:

اولا - ارزش واردات کالا های مصرفی و واسطه ای (در

برای "در میان گذاشتن" این "مطلب ساده" سنا ترمدم "صوری است نگاه می به ارقام بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۵۹ سبفکنیم، ما معلوم کردیم که بودجه دولت انقلابی اناگزیر است به "واردات" داده، "بودجه را تمام خرج یکسیم و نه تنها" بیکاری و یکی دیگر تورم "رشد یکسیم که قیمت احساس نیز هر روز بالا - تر رفرت و تولیدات صنعتی داخلی با زهم کا هنی باید در یک کلام، بحران موجود هر چه بیشتر خدمت یافته و مرتباً به فقر و سیه روزی نوده ها بیفزاید.

بودجه عمومی دولت در سال ۵۹ منجا و از ۲۸۰ میلیار د تومان بر آورده است، در این بودجه نفقت مهم ترین منبع درآمدها تشکیل میدهد، بطوریکه تنها ۱۶۰ میلیار د تومان یعنی ۸۰ درصد کل بودجه از طریق فروش نفت تا بدولت می شود، (یک حساب ساده نشان میدهد که برای تا من این مقدار درآمد، دولت

# مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی



نگاهی ستازنده به شعر انقلاب مشروطیت:

# آینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۱)

هفتاد و چهارمین سالگرد انقلاب مشروطیت، فسر را رسیده است. کمونیستها همواره خاطر زنده مبارزات گذشته بوده‌ها را، با یادآوری درسهای مبارزات انقلابی که به تازگی رخ بینکارها و تحولات پیوسته است برای بشری آگاهانها در راه مبارزه انقلابی آینه گرامی میدارند این مبارزات تا حاصل تلاش عظیم و سترگ طبقات تحت ستمی است که با صراحت و جاسازی، خواستههای طبقاتی خود را دنبال کرده اند و به اندوخته این ترسناک بختی از نا رخ تکامل جامعه را بسوی آینده‌ای تابناک با خون خود نوشته اند. از این رو در ارتباط با "هنرمفاومت، هنر پرولتری" اینک بررسی ادبیات دوران انقلاب مشروطه هر چند در قالب طرحی فشرده، از زمان سبب برخورد ارخواه بود. زیرا "هنر" از دیدگاه ما رکیسم- لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی و ابزاری خلافتنه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و بینکاریهای طبقات بوده است. و این حقیقت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آینه‌ای زنده برای بر توفان انقلاب به ثبت رسیده است. آینه‌ای تمام قامت که همه خصوصیات انقلاب، هم‌عنوان و نیروی توفان را زوایداری بخش آن از سویی، همه معنیها و نتایج آن را بیخی اش را از سوی دیگری شما می‌سند. هنری که در سطوح هم‌پارشا انقلاب با طنین خونینش که از شوق زندگی میلرزید، انعکاس می‌یابد و هم صدای دردناک شکست جنبش فدا میریای لیستی و دیگرانیک بوده‌ها.

و از این رو است که ضرورت برخورد ما رگت- لنینیستی به هنر دوران گذشته- و در اینجا هنر انقلاب مشروطیت- به عنوان یک ضرورت اساسی پیش رو قرار میگردد.

درواقع دیگرگاهی است که آموزشگران پرولتاریا این آموزش اصولی را بصورت جزئی از جنبه آگاهانه نهضت کارگری حمصدی نموده و در ارتباط با آن طی مبارزه‌ای بیکیبر، انحرافات گوناگون را به شکست کشانده و جریانی را مغلوب و افشا کرده اند که تحت پوشش ایجاد یک هنر پرولتری "خالص" خواستار قطع پیوند مکانیکی پرولتاریا و سببی خشک نگارانه

## قبل از شروع

بدون هیچ گفتگو یا خواهان یک بررسی ماتریالیست دیا لکتیکی از هنر دوران انقلاب مشروطیت- همچون شما پدیده‌های مادی و معنوی- هستیم. درک مارکسیستی در این زمینه بر این حقیقت به عنوان یک اصل عام و فلسفی پای میفرشده که همه پدیده‌های معنوی و کلا شعوراجتماعی انما از شکل گوناگون آن چه در قالب شناخت حسی و یا شناخت علمی... با زتاب پدیده‌های عینی و خیالات مادی جا می‌آید. اما تا اینجا مسئله کلی شرازان است که بتواند با این معیار در برابر ایده‌های بورژواشی مرزبندی دقیق کرد. اینکه هنر همیشه به جلوه‌ای از شعوراجتماعی، با زتابی است از واقعیات اجتماعی، اینک به ذوق هنری و بنا بر سبب آفرینش هنر، حاصل یک سلسله از ضروریات عینی است. تمام حقیقت نیست. ما تریا لیسمتا ریخی در عین حال تا کید میکنند دست از آن زمان که جا می‌آید به طبقه

"هنر" زدیگاه مارکسیسم لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی و ابزاری خلافتنه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و بینکاریهای طبقات بوده است. و این حقیقت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آینه‌ای زنده برای توفان انقلاب به ثبت رسیده است.

گوناگون منقسم گشت، همه پدیده‌های معنوی با نیازها و ذوق طبقات مختلف اجتماع می‌مهر خورد، یعنی آنکه در جوامع طبقاتی این محیط اجتماع می‌شخص است که محتوا و شکل هنر را مشروط میکند. ما نه می‌توانیم نتایج کار فردی ارتباطی با هم، بلکه همیشه به فعالیت هنری عموماً از اعماق یک طبقه، که در عمده - ترین و اساسی ترین جنبه‌های فعالیت خلافتنه ذهنی - اش در نقش یا زگوگنده احساسات، بروحیات و خواست - های طبقه‌ای مشخص در دورانی مشخص ظاهر میشود.

چنین اصل اساسی مارکسیستی است که با سبب بررسی شما برده‌ما، ز ادبیات مشروطه با بدقرا رگردد. مشروط بودن آفرینش هنری دوران انقلاب مشروطیت به محیط اجتماعی خاص، تنها در این رابطه توضیح داده نمی‌شود که هنرنا میرده‌ها را رنگ شرایط عینی آن دوره را پذیرفته بلکه هم‌ترازان معنا مین نوع احساسات، مسائل و درگیربهای روحی و عاطفی خواستها و آرمانها و پیش نهفته در این آثار همه و همه شما ما تحت تاثیر تعیین کننده شرایط مادی و ویژه آن زمان بوده و میرجهان عینی طبقات مشخص و در عین حال نیازهای اجتماعی آنان را برپیشانی داردا این همان اصلی است که تا کنون در اینجا اسامان توجهی جدی به آن نشده است. و در انواع تقسیم بندیهای که از ادبیات دوران مشروطه صورت پذیرفته و جنبه‌ای آشکارا غیر علمی دارد- چون هنر فتنی، هنر غیر فتنی - کمتر نشانی از یک برخورد طبقاتی دیده میشود.

همچنین با بدگفت با همه آنکه هنر همیشه بخشی از شناخت بشری، مجرد از عینیات اجتماعی نیست و نسبت به آن جنبه تبیینی و ثانوی دارد، با این همه به عنوان یک پدیده ذهنی، متما یزاعینیات است و دارای پیوسته و تداوم مل خود ویژه است. هرچا با آنکه تکامل دانش بشری به نحو اجتماع با پذیری از تکامل جامعه بشری تبعیت میکند لیکن در عین حال میتوان پیوسته تکامل علم را به نحو مستقل مورد ملاحظه قرار داد و ویژگیهای آن را در مدارج مختلف رشد و تطور اشکارا شناخت. به این ترتیب توجه به جنبه‌های ویژه تکامل هنر در دوران انقلاب مشروطیت بررسی و تبیین بغینه در صفحه ۵



به هنر غیر پرولتری گذشته و جدائی محض از همه دستاورد - های هنر بوده اند که طی تاریخ پرپیچ و خم تکامل بوجود آمده و آینه تحولات روحی و عاطفی طبقات گوناگون شما رمی آید. چنین مبارزه‌ای غلبه انحراف ذکر کرده و نشان دادن اهمیت بهره‌گیری و درس آموزی پرولتاریا از جنبه‌های انقلابی هنر گذشته، ویژه در دوران جنبش سوسیال دمکراسی روسیه و پس از انقلاب اکثریبه رهبری لنین کیبر، نتایج شوریکی ارزنده‌ای بسیار آورده که در آینده به آن خواهیم پرداخت و نتایج زیبائی شما سانه و زمینه فلسفی آنرا خواهیم گفت.

اکنون که ضرورت شناخت ادبیات گذشته در اساسی - ترین وجه آن و طبعاً ضرورت شناخت هنر و ادبیات دوران انقلاب مشروطه به شما به یکی از بر تلامز ترین دوران هنرمین ما از زاویه مقتضیات ذهنی و آگاهانه نهضت کارگری کم و بیش آشکارا شده است، بهتر است توضیحی کوتاه به شیوه برخورد و بررسی خود شما شیم:







بغچه از صفحه ۹

کلید درس‌های با بهای: ادبیات عرب، منطق و اصول و فقه را خوانده‌ام (که فعلا البته برایم مهم نیست و هیچ افتخاری هم ندارد). علاوه بر این دروس رسمی، تفسیر المیزان دروس‌های اصول عقایدنا صریحا و تفهیم‌ها را می‌دیدم و بعد از آن که بعد از کتاب "پرتوی از قرآن" منتشر شد، "دولابها" فرا گرفته‌ام. این بود که آنها حرمی در برابر من ندا شدند. بعد مطالعات خاصه ای در مورد کتب و تفاسیر آنها را تا بن خوانده و اطلاع دارم. این نکات را (هر چند جزئی و چه بسا غیر قابل ذکر است) از این لحاظ گفتم که "ادب‌شولوگی" جمهوری اسلامی همان حرفه‌ای ۲۰-۳۰ سال پیش را که در کهنگی و بوسیدگی هم نشانی نداد امروز در مطبوعات و رادیو و تلویزیون بعنوان حرفه‌ای جدید و ناب و "علمی" بگوش جوانان سپین ما فرومی‌کنند! بگذرم.

من پس از آشنائی کامل بازیده‌ترین سخنانی که در باره اسلام زده می‌شود و عمل جدا نه بر اساس آن برداشته و در دوران چندین سال مبارزه انقلابی با رژیم خونخوار شاه، مارکسیسم را پذیرفتم. تا کنون می‌کنم که تسول ما مارکسیسم از طرف امانت من نه از سبب اطلاع از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقا بخاطر اطلاع از آن بود. آقای منتظری و امثال او برای راضی کردن خود و تحمیل مردم چه تفسیری از کارهای (و هم‌زمانم که برخی از آنها اسناد من بودند) می‌توانند ارائه دهند جزیک دروغ هیئت‌ری! جزیک دروغ رذیلانه! از نوعی که نقل کرده‌اند و این حرفه همیشه ارتجاع علیه کمونیست‌هاست. آقای محمد منتظری، موضع طبقاتی‌اش به‌آسانی و اجازة نمی‌دهد درک کند که رسیدن ما به حقیقت جهان تسول ما مارکسیسم لنینیسم که تنها ایدئولوژی راه‌نمایی طبقه کارگر در راه نابودی سرمایه‌داری و بنیانگذاری عصر تاریخی جدیدی در حیات انسانها - یعنی سوسیالیسم است - ناشی از دستگیری انقلابی ما بسوی کارگران و زحمتکشان و در مبارزه علیه امپریالیسم است. او و همیالکی‌ها شایع‌ترین را - علیه غم‌ناخ زاب کشیدن - هایتی در "خو رو غلمان" خلاصه می‌کنند. در "بخت‌شان" هم بدنبال همین چیزها هستند. عقده‌های سالیان به آنها اجازه نمی‌دهد که چیزی جز این ببینند. آنها می‌گویند و بسن زده آنقدر برت دروغ، وقیحانه و رذیلت‌ناست که فقط آنرا از یک ضد انقلابی تمام عیار را زکسی

(۱) - در جایش اما فیه می‌کنم که قبل از آیت الله خمینی، آیت الله مطهری در سال ۴۴ به ستایش ما برداخته بود درست یاد هست جزوه‌ای تهیه کرده بودم راجع به روش مطالعه قرآن و آنرا با مجاهد شهید سعید محسن پیش مطهری بردیم (خانه‌اش هنوز در کوچه در زحمتکشان ری بود) مطهری چنان شاد شد و آنرا "امیدوارکننده" یافت که با رها احسن، احسن گفت. او مرا از قبل می‌شناخت. در سخنرانی‌هایش (که چاپ هم شده) از فعالیت مسن تشبیه کرده بود و یادش بود که یکی از کتابهایش (علل گرایش به مادیگری) را من ادبیت و آماده چاپ کرده‌ام و با رها بحثها و انگیزات عقیدتی اسلامی را در مدرسه مروی با او مطرح نمودم. در اینجا از ذکر بر خوردن‌ها بی‌گناهان دیگر هم مطلع اودانته‌ام صرف نظر می‌کنم.

رژیم جمهوری اسلامی، زحمتکشان «حمایت» میکند!



اواسط فروردین ماه، حدود ۱۴ خانواده زحمتکش توسط حسین بگانی، یکی از نمایندگان خورنا هستی (سرپرست بنیاد مسکن) از خوابه‌های جنوب شهر در آپارتمان چند طبقه‌ای که در خیابان حافظ قرار دارد اسکان داده شدند. این ساختمان بیکی از سرمایه‌داران فراری بنام "انرفی" تعلق داشته و در ضمن فردی بنام (موسوی) در آن سهم است. این فرد موفق می‌شود با بارش بازاری و... حکم تخلیه آنرا از آیت الله خورنا بگانی بگیرد. بر اساس حکم مذکور باید از آن سرمایه‌داران روزیستم مرداد ما با زور و بطرز وحشیانه‌ای ساختمان زحمتکش آنرا بیرون ریزند، و نمونه‌ای دیگر از تقابل رژیم از مستضعفین را به نمایش گذاشتند. رژیم جمهوری اسلامی که بیش از ۱۷ ماه است در سوختهای تبلیغاتی دم زحمتکش از زحمتکشان و با بقول خودش مستضعفین میزند، هر جا که دستش رسیده در حمایت از سرمایه‌داران زحمتکشان را سرکوب کرده است. عکس زیر یکی از این خانواده‌ها را در حالیکه مستاصل نشسته‌اند، نشان می‌دهد!

که دقیقا در صف مقابل کارگران و زحمتکشان قرار دارد می‌توان شد.

سرمایه‌داران و خرده بورژواهای عقب مانده، در مبارزه با کمونیستها و طبقه کارگر آنقدر بیچاره‌اند که به چنین ریسمانه‌ای بوسیده‌ای چنگ می‌زنند. آقای منتظری و همیالکی‌ها بیش‌که چنانچه در "دما" نلانشه " (خونهای سگانه‌های و بنفاس و استخاضه او و مال "خو رو غلمان" را از زوومنتهای آمال خود میداند جز گفتم این مزخرفات چه جاره؟! آیا این احقا نیست که یک فرد مبارزین از این سده سال مبارزه‌ی امان، در سال ۵۴، تغییر ایدئولوژی خود و تبدیل به حقیقت ما مارکسیسم لنینیسم را آنطور که این شیخ بی‌شرمانه منگوید توجیه کند؟!

انقلابیون و کمونیستها در بین مردم نور آگاهی می‌افتانند و این برای ارتجاع بدترین ضربه است و همین دلیل است که چون سگ‌ها ریحان این نیروها می‌افتند. (قسمت آخر ما جدا در شمارا رسد، می‌خوانید)



کمکهای مالی دریافت شده

الف	۹۵۰۰	ز	۲۲۰۰	ک	۵۰۰۰
"	۳۱۹۰	"	۷۲۲۰	"	۲۲۰۰
"	۹۵۰۰	"	۲۷۰۰	"	۱۰۰۰۰
ب	۸۳۰۰	پ	۶۸۰۰	گ	۱۱۸۰۰
"	۳۰۹۰	"	۲۰۲۸۰۰	"	۳۰۹۰
ج	۱۲۴۰۰	ط	۳۰۰۰	م	۱۰۰۰۰
"	۹۵۰۰	"	۶۱۰۰	"	۶۲۰۰
ح	۱۲۵۵۰	ع	۲۵۰۰	"	۷۶۱۰
"	۱۲۹۰۰	"	۶۰۰۰	"	۱۲۳۰۰
"	۳۰۰۰	"	۴۶۰۰	"	۲۴۰۰
"	۱۹۴۰۰	"	۹۰۰۰	"	۴۴۱۰
"	۱۹۴۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	۱۰۰۰۰
د	۲۲۲۰۰	ی	۱۶۰۰۰	ن	۱۲۸۰۰
"	۱۰۴۰۰	غ	۱۲۷۰۰	"	۱۲۷۰۰
"	۵۹۰۰	"	۳۲۴۰	"	۲۳۰۰
"	۱۹۴۰۰	"	۱۳۰۰۰۰	"	۱۸۰۰۰
ر	۱۸۴۰۰	ک	۳۵۰۰	"	۳۱۰۰

- ۱ - رفیق کارگر هوادار سازمان ازبکستان مبلغ ۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۲ - رفیق کارگر (رسمی) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید.
- ۳ - رفقای بیگ زحمتکشان جواده! مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمار رسید.
- ۴ - رفقای هوادار سازمان دریل سیمان و دولت آباد! مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۵ - رفیق (ی) کارگر شهر ری! مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۶ - رفیق (ش) از بنده از تبریز، مبلغ ۱۸۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید.
- ۷ - رفیق (ج - ش) از بنده تا کی! هدیه ات رسید.
- ۸ - رفیق قارداش! هدیه بسیار زنده ات همراه ما مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال رسید.
- ۹ - رفقای هوادار سازمان در بنده! مبلغ ۱۷۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۱۰ - رفقای دانشجوی هوادار سازمان در سوئد! مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمار رسید.

رفقا، دوسان!  
چنانچه کمکهای مالی شما بر گردست چهار هفت در بیگار چاپ شد، حتما در اس مورد ذکر کردید.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



